

تتخب منطقه عملیات کربلای پنج در شرق بصره

جالد حسن هاشمی

محمد درودیان*

کردند تا فرماندهی جنگ، آقای هاشمی رفسنجانی را که در ارتباط با عملیات کربلای ۴ به منطقه آمده و در امیدیه مستقر بود، نسبت به آخرین تغییر و تحولات - اتمام عملیات کربلای ۴ و همچنین تصمیمات جدید مطلع نمایند.

برادر محسن رضایی در گفت و گوی دو نفره با آقای هاشمی رفسنجانی، منطقه "شلمچه" را به عنوان یک نقطه بسیار مهم برای عملیات آتی پیشنهاد کرد که مورد استقبال ایشان قرار گرفت. سپس جلسه‌ای با حضور فرماندهان و مسئولین تشکیل شد و پس از بررسی اجمالی علل عدم الفتح در کربلای ۴ پیرامون عملیات آتی بحث‌هایی صورت گرفت. در پایان آقای هاشمی رفسنجانی دستور انجام عملیات در "شلمچه" را به سپاه ابلاغ کرد.

به لحاظ مشکلات و موانع فراوانی که بر سر راه انجام عملیات در شلمچه وجود داشت به نظر می‌رسید، مطرح کردن منطقه شلمچه بیش از آنکه نزدیک به واقعیت‌های موجود برای انجام عملیات باشد، برای پشت سر نهادن بحران کربلای ۴ بوده است. آقای هاشمی رفسنجانی به منظور رفع هر گونه ابهام و تردید احتمالی در مورد انجام عملیات پس از ساعتی که به امور دیگر گذشت، مجدداً تأکید می‌کند که:

"انجام عملیات در شلمچه مانند عملیات مهران**، یک

اشاره:

پیروزی در عملیات کربلای پنج حاصل تصمیم‌گیری فرماندهی سپاه برای انجام عملیات و تاکتیک ویژه عبور از مواضع و استحکامات دشمن در منطقه شرق بصره بود. پیروزی حاصل از این عملیات علاوه بر اینکه ناکامی عملیات کربلای چهار را تحت تأثیر قرار داد، توانست قدرت طرح ریزی، توان نظامی و سرعت عمل نیروهای سپاه را به نمایش بگذارد. هم چنین عبور از استحکامات منطقه شرق بصره، قدر دفاعی نیروهای عراق را مورد پرسش قرار داد.

گزارش حاضر که بلافاصله پس از عملیات کربلای پنج نوشته شده است از این حیث اهمیت دارد که روایت فرماندهی و تصمیم‌گیری در جنگ در زمان جنگ است. در واقع باز روایت نیست، بلکه روایت است. به همین دلیل با اصلاحات اندکی در ویراستاری مجدد برای چاپ آماده شد.

پس از آنکه قطعی شد که "راه کارهای" عملیات کربلای ۴ بسته شده است، در بعد از ظهر روز ۱۳۶۵/۱۰/۵ فرماندهان سپاه به منظور پیدا کردن راهی برای ادامه جنگ جلسه‌ای را در قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) برگزار کردند که نتیجه آن انتخاب منطقه "شلمچه" بود. پس از آن برابر تدبیر فرماندهی کل سپاه چند نفر از دست‌اندرکاران عملیات به سمت "امیدیه" حرکت

*راوی عملیات کربلای پنج در قرارگاه خاتم الانبیاء
**در عملیات مهران - کربلای ۱- پس از طرح مشکلاتی که وجود داشت و ممکن بود باعث تردید در انجام عملیات شود، آقای هاشمی به صورت یک دستور، انجام عملیات را ابلاغ کرد.

دستور است.^(۱) و "هر لشکری که تردید ندارد و آماده تر است آنها را به کار بگیرد." آقای شلمخانی قاطعانه بروید دنبال کار شلمچه.^(۲)

در این جلسه همچنین در مورد عملیات ارتش در غرب کشور که قرار بود ۷۲ ساعت پس از انجام عملیات سپاه پاسداران در جنوب صورت بگیرد گفت و گو شد و وضعیت چنین اعلام گردید:

آقایان ارتش هم در بالا [منطقه سومار] آماده اندولی شرط انجام آن عملیات، پایین است، تا شروع نشده آنها هم نباید عمل کنند.^(۳)

محمد باقری با اشاره به وضعیت دشمن در شلمچه استقرار لشکرهای ۶ و ۸ و سه لشکر گارد ریاست جمهوری در شلمچه معتقد است عملیات ارتش - کربلای ۶- چند روز زودتر انجام شود تا نیروهای دشمن به سمت بالا متوجه شوند، ولی آقای هاشمی چنین استدلال می کند که:

اگر ارتش آنجا عمل کند، چون در جنوب خبری نیست به آنها فشار می آورند و این به عراق روحیه می دهد. مگر اینکه شما [سپاه] بروید بالا محور بگیرید و کار مشترک انجام دهید که این هم زمان می برد.^(۴)

تشکیل قرارگاه ها و چگونگی پیشرفت کار در اولین مرحله پس از پایان جلسه امیدیه، فرماندهی کل سپاه بلافاصله توسط جهت پیگیری کارها و ابلاغ مأموریت جدید، جلسه ای در قرارگاه خاتم - فاطمیه - تشکیل می دهد. مهم ترین مسئله این جلسه رفع ابهام قرارگاه ها و یگان ها نسبت به نحوه پایان یافتن عملیات کربلای ۴ و سپس مهیا نمودن مقدمات عملیات بعدی بود. برادر محسن رضایی ابتدا می بایست اهمیت و لزوم انجام عملیات بعدی را به هر نحو ممکن به برادران بقبولاند تا پیگیری و ادامه کار مقدور شود. وی مسئله را به صورت زیر مورد تأکید قرار می دهد:

امسال هم به دستور رهبر انقلاب و هم به خواسته مسئولین، کشور به حال بسیج در آمد، کارخانه، رزمندگان و ... همه بسیج شدند. عملیات فاو را به عنوان آغاز جدیدی در جنگ

برادر محسن رضایی در گفت و گوی دو نفره با آقای هاشمی رفسنجانی، منطقه "شلمچه" را به عنوان یک نقطه بسیار مهم برای عملیات آتی پیشنهاد کرد که مورد استقبال ایشان قرار گرفت. سپس جلسه ای با حضور فرماندهان و مسئولین تشکیل شد و پس از بررسی اجمالی علل عدم الفتح در کربلای ۴ پیرامون عملیات آتی بحث هایی صورت گرفت. در پایان آقای هاشمی رفسنجانی دستور انجام عملیات در "شلمچه" را به سپاه ابلاغ کرد.

تلقی کردند و همه به دنبال کار افتادند. از یک طرف انقلاب و امام، کشور را در جنگ بسیج کردند و از طرف دیگر دشمن جنگ را تمام عیار کرد و مراکز صنعتی، برق و آب و مردم در شهرها مورد تهاجم قرار گرفتند که در طول جنگ بی سابقه بود ... ما به کجا می توانیم برگردیم؟ به خانه های ویران شده ای که دشمن ویران کرده است و به مردم بگوئیم آمده ایم جنازه های شمارا تشیع کنیم؟ ما به رهبر و مردم چه جوابی داریم، اگر دست از جنگ بکشیم؟^(۵)

در این جلسه تصمیماتی اتخاذ شد از جمله اینکه: سپاه در اولین گام به منظور آماده کردن یگان ها و فراهم کردن مقدمات عملیات، مبتنی بر "توان" خود نسبت به تشکیل چهار قرارگاه در مناطق زیر اقدام کند:

- ۱- قرارگاه کربلا در منطقه شلمچه
- ۲- قرارگاه قدس در منطقه هور
- ۳- قرارگاه نوح (ع) در منطقه فاو و اسکله های البکر و الامیه
- ۴- قرارگاه نجف در منطقه سومار و خانقین

این تصمیم دو هدف داشت: یکی فراهم ساختن مقدمات عملیات در تمام مناطق ذکر شده تا هر نقطه ای که سریع تر آماده شد مورد بهره برداری قرار بگیرد. دیگر اینکه اگر بنا به دلایلی عملیات در شلمچه متوقف شد - مانند کربلای ۴- و یا مسائل خاصی پیش آمد از سایر مناطق به عنوان طرح جانشین استفاده

* این عبارت نشان می دهد که هنوز اهمیت و جزئیات عملیات در شلمچه روشن نبوده است، زیرا برای عملیات در این منطقه کل توان سپاه به عنوان حداقل توان لازم برای درگیری با دشمن بایستی به کار گرفته می شد.

شود. دوم اینکه به کارگیری و مشغول کردن تمامی مسئولین قرارگاه‌ها و یگان‌ها به منظور از بین بردن تبعات عملیات کربلای ۴ نیز از ضروریات بود و به نظر می‌رسید که منطقه عملیاتی شلمچه، به تنهایی شرایط لازم برای مأموریت تمامی یگان‌ها را دارا باشد. البته میزان اعتقاد و آمادگی روحی فرماندهان نسبت به مناطق مختلف در این تقسیم‌بندی بی‌تأثیر نبود.

قرارگاه کربلا: منطقه شلمچه

قسمتی از تردیدهای موجود نسبت به منطقه شلمچه در مورد استحکامات دشمن و چگونگی پشت سر نهادن آنها بود ولی چشم‌انداز نسبتاً روشنی نیز نسبت به موفقیت لشکر ۱۹ فجر تیپ ۵۷ ابوالفضل (ع) در کربلای ۴ مدنظر بوده ابتدای باید تدبیر و تاکتیک عبور در این منطقه روشن می‌شد تا بر این اساس بتوان در قرارگاه و یگان‌های تابعه آمادگی لازم را فراهم کرده و درصد اعتقاد به عملیات و کسب موفقیت را افزایش داد.

در همان بحث‌های اولیه نسبت به طراحی عبور از کانال پرورش ماهی تصمیم گرفته شد که یک محور در شمال پنج ضلعی و محور دیگر در جناح راست آن برای عبور در نظر گرفته شود.

شناسایی از استحکامات جدید دشمن در شرق کانال ماهی - سیلبندهای جدید الحداث - و موقعیت‌های مختلف آب برای عبور غواص، قایق و نفربر خشایار مهم‌ترین مسئله بود. برادر محسن رضایی جمع‌بندی خود از منطقه شلمچه را با توجه به موقعیت زمین و تجربه و تلاش‌های لشکر ۱۹ فجر و تیپ ۵۷ چنین ذکر می‌کند:

۱- تا حالا در این زمین بادشمن جنگ نکرده‌ایم، دشمن حساسیت زیادی ندارد

۲- مواضع و استحکامات دشمن در شرق کانال ماهی ضعیف و جدید الحداث است.

۳- تلاش پنج ضلعی موفق بود. و می‌شود قبل از ترمیم سنگرها و جاگیر شدن دشمن عملیات کرد، منتهی با تعجیل. (۶)

پس از بحث و بررسی‌هایی که انجام شد سازمان قرارگاه

کربلا به شکل زیر تعیین گردید:

یگان‌ها:

لشکر ۲۵ کربلا

لشکر ۱۹ فجر

لشکر ۴۱ ثارالله (ع)

لشکر ۳۱ عاشورا

لشکر ۱۰ سیدالشهداء (ع)

لشکر ۵ نصر

لشکر ۲۱ امام رضا (ع)

تیپ ۱۲ قائم (ع)

تیپ ۱۸ الغدير

جهداهای تحت امر قرارگاه:

جهد سازندگی فارس

جهد سازندگی نجف آباد

جهد سازندگی کرمان

تیپ مهندسی جوادالائمه (ع)

لشکر مهندسی ۴۲ قدر

طرح مانور

پس از سه روز کار بر روی طرح مانور و انجام سایر اقدامات، عملیات بر اساس استعداد ۲۰۰ گردان نیرو به این شکل طراحی شد که تیپ الغدير در جناح شمالی عملیات بر روی پل عمل کند. بر روی جاده پاسگاه بویان یک یگان قوی وارد عمل شود تا بتواند از کانال ماهی عبور کرده و در غرب آن سرپل بگیرد. در پنج ضلعی با توجه به تجربه عملیات کربلای ۴ چنین پیش‌بینی شد که سه یگان در کنار هم عمل کنند.

در تلاش‌هایی که در مورد شناسایی و تحلیل فعالیت‌های دشمن صورت گرفت، چنین جمع‌بندی شد که دشمن در غرب کانال ماهیگیری تلاش مهندسی دارد و همچنین نزدیک به ۱۰۰ دستگاه تانک را در منطقه جا به جا کرده است.

وضعیت کلی حاکی از آن بود که دشمن هنوز نسبت به منطقه حساسیت زیادی دارد و این طبعاً با اقدامات نیروهای خودی که بر هوشیاری دشمن می‌افزود، مغایرت داشت. لیکن

محدودیت زمان منجر به تعجیل در مهیا کردن منطقه شلمچه شده بود.

از گزارش کار برادران در مورد مهندسی چنین به نظر می‌رسید که یک برآورد کلی نسبت به کارهای مورد نیاز صورت گرفته و به تناسب توان موجود، هماهنگی‌های لازم میان یگان‌ها با جهادهای واگذاری انجام شده است. هر چند اقدامات انجام شده در حد "شروع" مطلوب بود لیکن به تناسب نیازها و ضرورت‌ها و نیز شرایط لازم برای پای کار رفتن یگان‌ها فاصله زیادی داشت.

قرارگاه قدس: منطقه هور

منطقه هور پس از شلمچه به لحاظ هدف و مهیا بودن منطقه از نظر مهندسی و سایر ملاحظات در اولویت دوم قرار داشت و پس از تعیین مأموریت و سازمان قرارگاه کربلا در شلمچه، مأموریت قرارگاه قدس در هور ابلاغ شد.*

سازمان قرارگاه قدس

یگان‌ها:

لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب (ع)

لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

لشکر ۸ نجف

لشکر ۳۲ انصارالحسین

تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم

تیپ ۹ بدر

جهادهای تحت امر قرارگاه

جهاد سازندگی اصفهان

جهاد سازندگی خراسان

جهاد سازندگی دامغان

جهاد سازندگی همدان

تیپ مهندسی ۴۳ امام علی (ع)

منطقه هور در همان نگاه اول، گذشته از میزان اعتقاد یگان‌ها نسبت به انجام عملیات در آن معضل مهندسی و نیاز شدید به امکانات را نشان می‌داد. در پاسخ برادر قربانی که می‌گفت:

یک زمینی انتخاب شود که مناسب با توان و زمان باشد، اینجا کار مهندسی زیادی می‌خواهد"

برادر محسن رضایی گفت:

یکی از شرایط انجام عملیات در هور امکانات است که اگر به ما برسانند عمل می‌کنیم. (۷)

قرارگاه قدس اقداماتی را در زمینه تعیین خط حد یگان‌ها، برآورد کارهای مورد نیاز در زمینه مهندسی و سایر موارد انجام داد لیکن میزان اعتقاد به انجام عملیات در هور که قسمت اعظم قضایا را تشکیل می‌داد در حد ضعیفی بود. فرماندهی قرارگاه قدس به طور خصوصی به برادر رضایی می‌گوید بچه‌ها هیچ کدام شان نظر مثبت ندارند. علاوه بر این مشکلات دیگری هم وجود داشت که مانع از پیشرفت کار بود از جمله: ضعف آتش، نداشتن عقبه، نداشتن پوشش در منطقه، نتیجه هوشیاری دشمن و ...

برادر رضایی برای رفع ابهام نسبت به انجام عملیات در هور می‌گوید:

در استراتژی ما عمل کردن در هور قطعی است: اگر در پنج ضلعی وضعیت مناسبی فراهم نشد در هور عمل خواهیم کرد. (۸)

پس از آن اقدامات قرارگاه قدس در هور شکل جدی‌تری به خود گرفت و در فرصت‌های بعدی نیز فرماندهان یگان‌ها با حضور در هور به صورت فعال‌تری با مأموریت واگذار شده درگیر شدند.

قسمتی از مسائل هور در ارتباط با مهندسی و به طور اخص در زمینه تهیه کمپرسی و خاک برای احداث و ترمیم جاده بود که در این زمینه مشکلاتی وجود داشت. وزیر جهاد سازندگی، برادر زنگنه که در منطقه حضور داشت، طی جلسه‌ای با فرماندهی کل سپاه در مورد پیگیری و تأمین کمپرسی مسائلی را عنوان کرد.

برادر زنگنه: بحث کمپرسی دو قسمت است: یکی کمپرسی مردمی و دیگری کمپرسی دولتی. کمپرسی مردمی ۲۰۰۰ دستگاه است که ۱۰۰۰ تا موجود است و ۱۰۰۰ تای دیگر

* نظر به اینکه منطقه هور تنها در یک مقطع مطرح شد و نیز امکان انجام عملیات در آینده از توضیح در مورد مانور آن خودداری می‌شود.

.. "ما به کجا می توانیم برگردیم؟ به خانه های
ویران شده ای که دشمن ویران کرده است و به
مردم بگوییم آمده ایم جنازه های شما را تشییع
کنیم؟ ما به رهبر و مردم چه جوابی داریم، اگر
دست از جنگ بکشیم؟

می آید.

اگر دشمن در منطقه اجرای آتش کند، تأمین کمپرسی
دولتی سخت تر است.

دولت دستور آن را می دهد ولی تهیه آن از وزارت خانه های
مختلف مشکل است ... من قول تهیه کمپرسی دولتی را
نمی دهم چون سخت می آیند ولی کمپرسی مردمی را تهیه
می کنم. (۹)

علاوه بر مشکلاتی که در امر تهیه ابزار و امکانات مهندسی
وجود داشت نظر به اینکه احداث هر یک کیلومتر جاده در هور
نزدیک به یک میلیون تومان هزینه بر می دارد، نسبت به چنین
سرمایه گذاری در هور نیز تردید وجود داشته و دارد و این امر
بی تأثیر در میزان پشتیبانی از عملیات هور نبود.

قرارگاه نوح (ع): فاو و اسکله های البکر و الامیه

نظر به حساسیت های دشمن در محور جاده ام القصر و خط
پدافندی نیروهای خودی در منطقه فاو و نیز اهمیت دو اسکله
البکر و الامیه که تصرف آنها می تواند گذشته از تکمیل اهداف
عملیات والفجر ۸، موفقیت جدیدی را برای جمهوری اسلامی
در شمال خلیج فارس به دست آورد، قرار شد که قرارگاه
نوح (ع) با دو ناو تیپ کوثر و با تیپ امیرالمؤمنین (ع) بررسی
منطقه و طراحی عملیات را در این منطقه انجام دهد.

قرارگاه نوح (ع) پس از بررسی منطقه با مشکلات عمده ای
رو به رو شد که عبارت بودند از:

۱- مهندسی: در عملیات کربلای ۳ پس از تصرف اسکله
الامیه، ناوچه های دشمن به راحتی توانستند نیروهای مستقر در
خور عبدالله را کنار زده و از آن خارج شوند و نیروهای خودی
را در اسکله محاصره کرده و در عقب راندن آنها نقش مؤثری ایفا

کنند. از این رو پیش بینی می شد که برای تکرار عملیاتی نظیر
کربلای ۳ بایستی اسکله های مناسبی در دهانه خور احداث شود
و نیروهایی در آنجا مستقر شوند تا در موقعیت مناسب بتوانند
نقش بازدارنده ای را در مقابل حرکات دریایی دشمن انجام
دهند.

۲- امکانات: گذشته از امکانات شناوری مورد نیاز مانند
قایق و ... برای کار در دریا، رادار و شنود نقش تعیین کننده ای
دارند. در این زمینه کمبودهایی به چشم می خورد و موجودی
امکانات تناسبی را در خواست هاندارد.

۳- یگان های تحت امر: روشن است که طراحی و انجام
عملیات در منطقه فاو و اسکله های البکر و الامیه با یگان های
واگذاری شده به قرارگاه نوح (ع) میسر نمی باشد. فرماندهی
قرارگاه نوح گفت: اگر ما بخواهیم روی البکر عمل کنیم یگان
قوی می خواهیم. (۱۰)

پس از بحث های زیادی در این زمینه که صورت گرفت از
سوی فرماندهی کل سپاه به قرارگاه نوح (ع) ابلاغ شد که گذشته
از تقویت عمومی منطقه فاو، تلاش های خود را برای طراحی
عملیات در روی دریا ادامه دهند.

قرارگاه نجف: منطقه سومار و خانقین

با توجه به تأکید آقای هاشمی رفسنجانی نسبت به تعجیل
در انجام عملیات، عمدتاً دو منطقه شلمچه در جنوب و سومار
در غرب، مناسب به نظر می رسید. در منطقه شلمچه کار در حال
شکل گرفتن بود در منطقه غرب نیز از مدت ها قبل نیروی زمینی
ارتش تلاش هایی انجام داده و طبق گفته آقای هاشمی
رفسنجانی از آمادگی لازم برای انجام عملیات برخوردار بود.
لیکن همان گونه که اشاره شد شرط انجام عملیات توسط
ارتش، ۷۲ ساعت فاصله زمانی با عملیات سپاه و پیروزی آن
بود. به همین دلیل با وضعیت پیش آمده در عملیات کربلای ۴،
عملیات ارتش انجام نشد.

به هنگام مطرح شدن منطقه شلمچه در جلسه امیدیه و پس
از مطرح شدن مشکلات موجود آقای هاشمی رفسنجانی در
اولویت دوم منطقه سومار را به سپاه پیشنهاد کرد. فرماندهی

سپاه به قرارگاه نجف ابلاغ کرد که شما در رابطه با غرب دو کار را می‌توانید انجام دهید: ۱- عملیات در مهران ۲- عملیات در نفت شهر و نفت خانه. (۱۱)

برای انجام عملیات یگان‌های زیر به قرارگاه نجف مأمور شدید:

- لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)

- لشکر ۱۵۵ ویژه شهدا

- لشکر قدس

- تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص)

- تیپ ۴۸ فتح

- تیپ ۱۵۷ ابوالفضل (ع)

قرار شد قرارگاه معایب و محاسن دو منطقه یاد شده را بررسی کند و پس از ارائه پیشنهاد مناسب پای کار برود.

نتیجه عملیات کربلای ۴ و انعکاس آن در میان برادران ارتش و معضلاتی که در زمینه هماهنگی و روابط میان سپاه و ارتش وجود دارد عملاً وضعیت پیچیده‌ای را به وجود آورده بود که کار در سوما بسیار مشکل و تقریباً غیر ممکن شده بود در مورد عملیات مشترک با ارتش چنین تصمیم گرفته شد که عملیات سپاه متکی به عملیات ارتش نباشد تا از ضایعات بعدی جلوگیری به عمل آید.

پس از ابلاغ مأموریت به قرارگاه نجف، یگان‌ها قبل از عزیمت به منطقه ابهامات و مشکلاتی که داشتند را در جلسه‌ای با فرماندهی در میان گذاشتند، اهم این مسائل عبارت‌اند از:

۱- روشن نبودن مأموریت در غرب

۲- مشکلات نقل و انتقال امکانات به غرب

در پایان برادر محسن رضایی برای افزایش دقت برادران و نیز افزایش تضمین انجام عملیات و پایبند بودن فرماندهان به پیشنهادات خود می‌گوید: نظراتی که از غرب برای مابیاورید را به آنها عمل کنید. (۱۲)

با توجه به مشکلات موجود برای انجام عملیات در غرب، فرماندهی قرارگاه نجف بیشتر نسبت به انجام مأموریت در شلمچه راغب بود لذا به برادر محسن می‌گوید: «ضمناً آمادگی

داریم که در شلمچه کار کنیم». (۱۳)

ابلاغ زمان بندی

پس از آنکه مأموریت قرارگاه‌ها از سوی فرماندهی کل سپاه تعیین شد به منظور سرعت بخشیدن به اقدامات قرارگاه کربلا، در منطقه شلمچه از سوی برادر محسن زمان بندی زیر تعیین و ابلاغ گردید.

از تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۸ تا ۱۳۶۵/۱۰/۱۲ شناسایی شروع شده و تکمیل شود.

از تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۹ تا ۱۳۶۵/۱۰/۱۵ نقل و انتقالات انجام شود. از تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۰ تا ۱۳۶۵/۱۰/۱۲ توجیه فرمانده گردان‌ها انجام شود.

تدابیر مقابله با حمله احتمالی دشمن در فاو

تحركات دشمن پس از عملیات کربلای ۴ در منطقه فاو، احتمال انجام حمله در این منطقه را تقویت می‌کرد و انجام اقدامات احتیاطی از سوی نیروهای خودی را ضروری می‌ساخت، عراق در خط فاو از دو قسمت معبر باز کرده و پس از پاک کردن معابر مین، آنها را چک می‌کرد. همچنین در جزیره بوبیان و در داخل دهانه اروند نیز از خود شواهد و قرائنی نشان می‌داد که تماماً یک وضعیت غیر عادی را نشان می‌داد. حتی در ساحل خودی نشانه‌هایی از فعالیت غواص‌های دشمن مشاهده شده بود.

از سوی دیگر با توجه به اینکه عملیات کربلای ۴ در دست اجرا بود غالب یگان‌های مستقر در خط فاو نیروهای نسبتاً کیفی خود را از خط خارج کرد و به جای آن نیروهای ضعیف‌تری را جایگزین کرده بودند. برای مقابله با خطرات احتمالی در فاو قرار شد که سه کار مهم صورت گیرد:

- ۱- نیروهای تخریب معابر دشمن را کنترل کنند.
- ۲- دوربین دید در شب تحركات دشمن را زیر نظر بگیرد.
- ۳- نیروهای در خط مجدداً با نیروهای کیفی تعویض شوند.

رعایت حفاظت و غافل گیر نمودن دشمن

مسئله هوشیاری دشمن در منطقه شلمچه از جمله مسائلی است که در این مقطع به عنوان یک مشکل اساسی مطرح

می باشد. هوشیار شدن دشمن باعث به وجود آمدن مشکلات و پیچیدگی های فراوانی خواهد شد. به ویژه آنکه عدم الفتح کربلای ۴ عمدتاً ناشی از عدم غافل گیری دشمن بود. مشکل تعجیل در شروع عملیات بعدی در شلمچه نیز مزید بر علت شده و با وجود آنکه شرایط موجود، اجازه پرداختن جدی به این گونه مسائل را نمی داد، گاهی گفت وگوهای پراکنده ای در زمینه غافل گیری انجام می شد اما نتیجه مشخصی گرفته نمی شد و عملاً به پیش آمدهای بعدی محول می گردید.

گفت وگوهای برادران عزیز جعفری و محسن رضایی در چند روز پس از تعیین مأموریت قرارگاه ها، بازتاب وضعیت یاد شده است.

برادر عزیز جعفری:

اینجا [شلمچه] می خواهیم غافل گیری را رعایت کنیم؟

برادر محسن رضایی:

شب عملیات می شود فهمید دشمن هوشیار است یا نه؟

برادر عزیز جعفری:

نه! اگر می شد چرا در عملیات کربلای ۴ متوجه نشدیم و اگر شدیم چرا باز هم عمل کردیم. (۱۴)

در واقع با توجه به وجود دکل های متعدد دیده بانی دشمن در منطقه شلمچه، خصوصاً دکل پتروشیمی و نیز ضرورت شتاب در انجام عملیات و تعجیل در آن به نظر می رسد رعایت حفاظت و غافل گیری در این منطقه امری بسیار سخت و دشوار و شاید غیر ممکن باشد. از طرفی با توجه به وضعیت خاص زمین و استحکامات دشمن تضمین موفقیت عملیات فقط در گروی غافل گیر نمودن دشمن است. به عبارت دیگر ظاهر آمیان تعجیل در عملیات و رعایت غافل گیری نوعی تناقض وجود دارد و حفظ یکی منجر به از دست دادن دیگری می شود. البته ادامه شلوغی منطقه به خاطر عملیات کربلای ۴، می تواند عاملی برای پوشاندن فعالیت های جدید باشد. این احتمال نیز وجود دارد که دشمن نتواند فعالیت های جاری را از عملیات آتی - آن هم در فاصله زمانی کوتاه - از یکدیگر تفکیک کند و تشخیص دهد.

به کار گیری نفربر خشایار

پس از ابلاغ مأموریت به قرارگاه ها و یگان ها قسمت اعظم تلاش های برادر محسن به اتخاذ تدابیر مناسب برای به کار گیری نفربر خشایار معطوف گردید. برادر محسن چنین استدلال می کرد که بایستی این عملیات از یک ابتکار جدید برخوردار باشد و تحقق این امر با استفاده از نفربر خشایار امکان پذیر است. برادر محسن از تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۵ انتقال نفربرهای خشایار از تهران به منطقه و نصب دوشکابر روی آنها و نیز تعمیر و بازسازی نفربرهای خشایار موجود در یگان های را از حاج محسن رفیق دوست پیگیری می نمود و در کنار آن تلاش هایی را برای انجام مانور نفربر هادر کانال سلمان، با ابلاغ مأموریت به برادر وفایی آغاز کرد. موارد زیر به عنوان استفاده از نفربر خشایار تعیین گردید:

۱- ترابری نیرو ۲- کشته ۳- کمک در پاک سازی خط با استفاده از تیربار دوشکا

بررسی و تصمیم گیری نهایی درباره منطقه عملیات

آقای هاشمی رفسنجانی که از مدت ها قبل از سوی امام به عنوان مسئول جنگ تعیین شده بود، پس از عملیات کربلای ۴ به دلیل شرایط سیاسی کشور تمایل بیش تری برای پیگیری در امور عملیات را داشت. به نظر می رسید که وی با نوعی موضع انتقادی نسبت به شیوه مدیریت قبلی خویش در جنگ و همچنین با توجه به ناکافی بودن میزان درگیر شدن با مشکلات جنگ و عملیات، تصمیم دارد در مقایسه با گذشته نقش و حضور بیشتر و مؤثری داشته باشد، از همین رو برای اولین بار مستقیماً از مسئولین عملیات، در رده های مختلف گزارش گرفت و در همین راستا، آن چنان که ذکر شد، آماده کردن عملیات شلمچه را به عنوان یک دستور و تکلیف به سپاه ابلاغ نمود.

فرماندهی کل سپاه که از طرفی تحت فشار طاقت فرسای نتایج کربلای ۴ قرار داشت و از سوی دیگر در رابطه با عملیات آینده، با انبوه مشکلات و از جمله تردیدهای عناصر و یگان های عملیاتی مواجه بود، حضور و مشارکت بیشتر فرماندهی جنگ

در تصمیم گیری ها را مثبت ارزیابی می کرد. وی در روز بعد از جلسه در امیدیه به فرمانده نیروی زمینی سپاه می گوید:
[این خوبست که آقای هاشمی در منطقه مستقر شوند تا مشکلات را مشاهده کنند.]^(۱۵)

آقای هاشمی بعد از ظهر ۱۳۶۵/۱۰/۱۰ وارد منطقه شد و در جلسات طولانی فرماندهان سپاه که از همان شب شروع شد و روز بعد نیز تا پاسی از شب ادامه یافت، شرکت کرد. در این جلسات علاوه بر ارائه گزارش عملیات کربلای ۴، اقدامات انجام شده در مورد عملیات آینده نیز توسط برادران طرح شد و مسایل و مشکلات مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً تصمیم در مورد انجام عملیات شلمچه در زمان مورد نظر، تصمیم قطعی گرفته شد.

اهم موضوعات طرح شده در این جلسات* که بازگو کننده مسائل مهم جنگ در این مقطع می باشد در زیر ارائه می شود.
در اولین جلسه** که حدود ساعت ۵ بعد از ظهر ۱۳۶۵/۱۰/۱۰ برقرار شد شمعانی فرمانده نیروی زمینی سپاه گزارشی از اقدامات انجام شده در مورد عملیات آتی و تعیین مأموریت قرارگاه ها را ارائه کرد. سپس با سؤال آقای هاشمی رفسنجانی در مورد علل عدم الفتح کربلای ۴ بحث و بررسی پیرامون این موضوع آغاز شد. و جلسه اقامه نماز تعطیل شد. پس از نماز مغرب و عشا در حدود ساعت ۱۸ جلسه شروع شد. برادران محسن رضایی و رحیم صفوی نیز در جلسه حضور یافتند.

آقای هاشمی رفسنجانی: برنامه امشب چیست؟
برادر محسن رضایی: گزارش عملیات را می دهند و (عملیات در) شلمچه مسائلی دارد که باید به جانب عالی گزارش بدهند تا شما تصمیم بگیرید. سپس مقداری در مورد شناسایی های انجام شده و معابر انتخابی صحبت شد و بعد برادر محسن رضایی گفت:

یکی از بحث هایی که شما باید کمک کنید و نظرتان را بفرمایید یکی (جزیره) بوارین است و یکی اینکه اگر ما قسمت راست بیابیم یک حسنی دارد و اگر نیابیم یک حسن و عیبی دارد. هر چند جناح راست خالی باشد دشمن تانک می گذارد عقبه را

برادر محسن رضایی جمع بندی خود از منطقه شلمچه را با توجه به موقعیت زمین و تجربه و تلاش های لشکر ۱۹ فجر و تیپ ۵۷ چنین ذکر می کند:

۱- تا حالا در این زمین با دشمن جنگ

نکرده ایم، دشمن حساسیت زیادی ندارد

۲- مواضع و استحکامات دشمن در شرق

کانال ماهی ضعیف و جدید الاحداث است.

۳- تلاش پنج ضلعی موفق بود. و می شود قبل

از ترمیم سنگرها و جاگیر شدن دشمن

عملیات کرد، منتهی با تعجیل.

می بندد چون پوشش طبیعی ندارد. و اگر به سمت شمال گسترش پیدا کنیم نیرو در حد جنوبی و عمق منطقه کم می آوریم. اگر پایین بیاییم باید عقبه ها را بکشیم مقابل منطقه شلمچه."

آقای هاشمی رفسنجانی: ما در ذهنمان از روز اول این بود که همه این جزایر گرفته می شود.

برادر محسن رضایی: ما چند بار رفته ایم ولی نشده.

آقای هاشمی رفسنجانی: بله شکست خورد

برادر محسن رضایی: بوارین بیش از اندازه حساس است.

آقای هاشمی رفسنجانی: پارسال دشمن فهمید که منطقه کارمان بوارین است.

برادر محسن رضایی: ما از طرفی باید پرهیز کنیم از اینکه به سمت بوارین برویم چون دو یگان نیرو می خواهد و اگر دیر برویم تقویت می کند و جنگ شدیدی خواهیم داشت و از رفتن به عمق جلوگیری به عمل می آید.

برادر محسن سعی می کند هر چه بیشتر مشکلات موجود را تجزیه و تحلیل کند و آقای هاشمی را بیشتر با مشکلات درگیر نماید از این رو اضافه می کند:

"با توجه به سرعت، توان و هوشیاری دشمن گفتیم برادران بیایند خودشان صحبت کنند."

* البته در اینجا به مسائل کربلای چهار اشاره نشده است.

** حاضرین: آقایان هاشمی رفسنجانی، علی شمخانی، ابراهیم سنجدی، سرهنگ لطفی، سرهنگ ترابی، محمدزاده، خستو، حسن روحانی و غلام حسین بشردوست.

ایشان در ادامه مسئله را به نحو روشن تری بیان می کند:
از شمال پنج ضلعی استفاده می کنیم برای سقوط شلمچه و
از بوارین استفاده می کنیم برای رفتن به عمق ما جهت کلی
برنامه آینده مان را [باید] روشن کنیم. روی جاپا کسی حرف
ندارد، مسئله جناحین و عمق عملیات است که باید روشن
بشود.^۲

آقای هاشمی رفسنجانی در ادامه مباحث بر روی مزایا و
محاسن منطقه شلمچه تأکید می کند و برادر محسن رضایی نیز
اشکالات موجود را یادآوری می کند و سئوالاتی را که خود به
خود مطرح است به بحث می گذارد.

آقای هاشمی رفسنجانی: من این چند روز که فکر کردم
دیدم اگر ما به جای اینکه این همه نیرو که اینجا [منطقه کربلا]^۳
داشتیم می گذاشتیم می رفتیم شلمچه بهتر بود، سپاه هفتم عراق
از خاصیت می افتاد. ما اگر در شلمچه به کانال زوجی برسیم و
در هور به جاده ها برسیم، دیگر مسئله عراق در آن سمت اروند
نیست. ما چرا اصلاً به فکر پایین افتادیم؟ بی خود؟ این اشتباهی
نیست که تنها شما کردید، بلکه برای ما هم جذابیت داشت، اگر
ما همه توانمان را روی شلمچه می گذاشتیم هر چه می خواستیم
به دست می آوردیم.

برادر محسن رضایی: اگر ما از شلمچه سیخ شویم و برویم
در عمق، دشمن از سه طرف [راست و چپ و مقابل] آتش روی
عقبه محدود ما [۷ کیلومتر] می ریزد.

آقای هاشمی رفسنجانی: ما از سختی اش می گذریم. من
این را بحث نمی کنم، شلمچه برای بصره تهدیدش کمتر از
منطقه کربلا^۴ نیست.

برادر محسن رضایی: [الان با وجودی که] دشمن در
شلمچه است ولی نمی گویند خرمشهر در دست عراق است. در
اینجا [شلمچه] هم، بعد از تلاش زیاد، ما به بصره نمی رسیم.
منطقه قبلی غیر از نزدیکی به بصره، زیر هم هست ولی در
شلمچه فقط بصره است.^۵

در ادامه مباحث: برادر محسن رضایی به لزوم "ابتکار عمل"
در مقابله با توانایی های کلاسیک برتر دشمن اشاره می کند:

ما مدت ها پیش به این نتیجه رسیدیم که باید از ابتکار عمل
برخوردار باشیم و جنگ های جدیدی طراحی کنیم. در
جنگ هایی که برای دشمن پیش بینی است نمی شود پیش روی
کرد. در [گذشته] جنگ از نظر کلاسیک به بن بست رسید ولی
هور گشایشی بود که نتوانستیم استفاده کنیم، فقط عبور مان
خوب بود.

برادر محسن رضایی به پیروزی فاو و در نتیجه طراحی
جنگ جدید و اینکه در کربلا^۶ نیز ابتکار عبور از تنگه (ماهی -
ام الرصاص) در نظر بود اشاره کرده و اضافه می کند:

ما الان از روی ناچاری آمده ایم به شلمچه. چون اینجا هفت
الی هشت بار عمل کرده ایم، زمین این منطقه قلب است و نیاز
به جناحین دارد.

آقای هاشمی رفسنجانی: مجدداً به کربلا^۷ اشاره می کند و
ادامه می دهد:

من [تنها] به شما اعتراض ندارم، اعتراض به خودم هم
دارم. ما می خواستیم اینجا این همه نیرو وارد عمل کنیم و به
دنبال پیروزی باشیم که در بالا (شلمچه) هست.

برادر محسن رضایی مزایای ذکر شده را نفی نمی کند اما به
شرایط لازم جهت موفقیت اشاره می کند:

اینجا [شلمچه] سخت است و مشکلات دارد. بهترین
منطقه این است که جناح راست را بدهیم به کانال عمود بر کانال
پرورش ماهی [در منطقه زید] و در سمت چپ برویم پشت
کانال زوجی. در بالا پشتیبانی پایین صورت می گیرد و آتش
دشمن را از عقبه های ما دور می کند.

آقای هاشمی رفسنجانی: اگر بخواهید طرح را این قدر
وسیع بگیرید یک ماجرای تازه ای پیش می آید.

برادر محسن رضایی: طرح کامل همین است.
آقای هاشمی رفسنجانی: باید بوارین گرفته شود.

برادر محسن رضایی: به یک راه کار که آن را می توان نوعی
ابتکار عمل محسوب کرد به عنوان یک نقطه قوت اشاره
می کند:

عبور از کانال پرورش ماهی جنگ جدیدی نیست ولی

چون عمق آب کم است، دشمن تصور نمی کند ما از این سمت بیاییم.*

در ادامه جلسه پیرامون مناطق مختلف عملیاتی بین آقایان هاشمی رفسنجانی، سنجقی و سرهنگ لطفی صحبت می شود از جمله سرهنگ لطفی به ادامه عملیات در فاو اشاره می کند و مجدداً برادر محسن رضایی مطلب را به نحو زیر طرح می کند: برادر محسن رضایی به آقای هاشمی رفسنجانی: شما برای ما چند مسئله را مشخص کنید.

۱- روی بوارین لشکر بگذاریم یا نه؟

آقای هاشمی رفسنجانی: پاسخ این را خودتان باید بررسی کنید.

برادر محسن رضایی: ۲- جهت نهایی ما به کدام سمت باشد؟

آقای هاشمی رفسنجانی: شمال ارون درود.

وی سپس: من الان نه زمین را خوب می شناسم و نه از نظر نظامی می دانم. ولی آن چه می تواند این عملیات را جایگزین عملیات قبلی [کربلا ۴] بکند همین منطقه است. بالاخره این نیروها که جمع شده اند و می خواهند بجنگند، هر جا بخواهند بجنگند مشکل است. هور زمان می خواهد و طولانی است و ما این نیرو را آنجا ببریم نمی دانیم از این دشوارتر خواهد شد یا نه. در فاو جنگ معنا ندارد، عبور از منطقه غدیر [کربلا ۴] در این مقطع بی معناست. نه امکانات داریم و نه جایی که مورد بحث است شلمچه است از اینجا که بگذرید جایی ندارید تا جزیره که طرح کمیل می خواهد.... آمادگی نیست چیزی که به ذهن ما آمده بود که همان پیش بینی نیروی زمینی ارتش بود که از نفت شهر برویم تا حمیرین. این یک فرض احتمالی در ذهن ماست. ارتش آنجا شناسایی در حد شکستن خط است. آنجا آمادگی دارند تا یک هفته مهلت داده ایم. یک فرض این است که شمانیرو هایتان را آماده کنید، یک مقدار نیروی خط شکن به آنها اضافه کنید. در حد شکستن خط اول از ارتفاع ۴۰۲ تا زین القوس، ارتش آمادگی دارد. نفت شهر و نفت خانه را آنها می گیرند و بعد شما می روید جلو. این نقدترین احتمال است.

برادر علی شمخانی:

ما مشب تکلیف اینجا [شلمچه] و هور را می گوئیم و فردا خواهیم گفت که چکار می شود کرد.

آقای هاشمی رفسنجانی: اینها چشم اندازی است که در ذهن ما است. حالا بچه ها بیایند ببینیم آنها چه می گویند.

جلسه برای صرف شام موقتاً تعطیل می شود تا پس از اضافه شدن فرماندهان قرارگاه ها و یگان ها و دیگر مسئولین عملیات به جمع حاضر، بررسی ها و مباحثات ادامه یابد، در حالی که هنوز انجام عملیات در شلمچه محرز نشده و فرماندهی سپاه بیان مشکلات و کسب تکلیف در مورد آنها می خواهد که ابهامات موجود روشن شود

اما آقای هاشمی رفسنجانی با اشاره به اینکه در مورد سختی کار، وضع زمین مقولات دیگر از جنبه نظامی آن بحث نمی کند، به نحوی بررسی پاره ای از آن مسائل را به خود سپاه محول می نماید.

آنچه آقای هاشمی آن را اساسی و اصلی می داند انجام عملیات است. شلمچه به لحاظ ارزش سیاسی زمین منطقه مورد تأکید قرار می گیرد و چون منطقه دیگری آماده انجام عملیات نیست، به عنوان راه حل جایگزین و هماهنگ با عملیات ارتش در نفت شهر مطرح می شود. چیزی که طبعاً نمی تواند مطلوب سپاه باشد و در واقع خود به خود نوعی عامل فشار* برای انجام حتمی عملیات در جنوب تلقی می شود.

جلسه بعد** که در ساعت ۲۰:۳۰ همین روز تشکیل شد با گزارش قرارگاه قدس از اقدامات انجام شده و دیگر مسائل مربوط به عملیات هور آغاز می شود.

برادر عزیز جعفری ابتدا به نیازهای مهندسی منطقه مورد نظر اشاره می کند از جمله اینکه:

اگر بارندگی نباشد و به شرطی که ۱۵۰۰ کمپرسی مداوم در منطقه باشد یک ماه کار می خواهد و اما تجارب گذشته نشان می دهد که این امکانات فراهم نمی شود، باران می آید و کار عقبه سازی بیش از یک ماه زمان خواهد برد.

گزارش با ذکر برخی مشکلات و همچنین توضیح برادر

* اقدام قبلی فرماندهی سپاه در مورد دادن مأموریت به قرارگاه نجف برای تهیه طرح مستقل از ارتش در غرب نیز تدبیری در جهت خلاصی از این معضل بوده است.
** حاضرین: برادران هاشمی رفسنجانی، محسن رضایی، علی شمخانی، محمدزاده، خستو، رحیم صفوی، غلام حسین بشر دوست، حسن روحانی، سرهنگ لطفی، سرهنگ ترابی، ابراهیم سنجقس، احمد غلامپور، عزیز جعفری، کیانی، مصطفی ایزدی، احمد کاظمی، رسول یاجی، حجازی، آزادی، باقر قالیباف، رئوفی، میرحسینی، رضا سیف الهی، زاهدی، برزمهری، شوشتری، علی هاشمی، رمضانی، محمد کوثری، حیدرپور، مرتضی قربانی، قاسم سلیمانی، علی فضلی، غلامرضا صالحی، مرتضی صفاری، حسین علانی، آستانه، محمد فروزنده، مهدوی، امین شریعتی و واز اواسط جلسه سرهنگ حسینی سعدی فرماندهی وقت نیروی زمینی ارتش به جلسه آمد.

جعفری در مورد طرح مانور و هدف عملیات ادامه یافت از مجموع گفت و گوهایی که پیرامون عملیات در هور صورت گرفت چنین استنباط می شود که مسئله هور منتفی باشد زیرا:

۱- زمین منطقه خصوصاً در شمال هور از ارزش قابل ملاحظه ای برخوردار نیست. خصوصاً اینکه سپاه بایستی با تمام توان خود وارد عمل شود و در نهایت نیز بهبودی در وضعیت سیاسی - نظامی کشور ایجاد نخواهد کرد.

۲- وجود مشکلاتی از قبیل کمبود شناور و سایر امکانات که به سادگی قابل حل نیست.

۳- از دست ندادن زمان مهم ترین مسئله است در اینجا که تضمینی برای آن وجود ندارد.

۴- امکان رعایت غافل گیری ضعیف است و دشمن به سهولت عملیات را کشف خواهد کرد.

۵- فرماندهان یگان ها اعتقادی نیست به انجام عملیات ندارند

جلسه با گزارش فرماندهان لشگرهای ۱۹ فجر، ۵ نصر و ۳۱ عاشورا از عملیات کربلای ۴ و همچنین اقدامات انجام شده در مورد عملیات آتی و نیز مشکلات و نظرات مربوط به آن ادامه یافت. از جمله برادر باقر قالیباف اشاره به محدود بودن زمین و عقبه ای که نیرو در آن مستقر خواهد شد - با توجه به دید دشمن در منطقه - محدود بودن عقبه ها و جاده های تدارکاتی، محدود بودن زمین منطقه عملیات و تناقض سرعت عمل مورد نظر در آمادگی با مسئله حفاظت، به نحوی نظر منفی خویش را ابراز کرد. برادر امین شریعتی می گوید که ما فقط می توانیم تا پشت سیل بند پرورش ماهی بیاییم و نباید به یک عارضه مشخص متکی بشویم زیرا دشمن با یک تیر بار آنجا را می بندد. وی پیشنهاد کرد که منطقه زید نیز به این منطقه افزوده شود که اگر عبور ممکن نشد از آنجا بتوان گسترش یافت. وی راجع به تسلط اطلاعاتی دشمن در منطقه نیز ابراز نگرانی می کند و می گوید:

ما امروز برای تعیین عقبه رفته بودیم، جایی را پیدا نکردیم که دور از دید دکل ها و دیده بانی پتروشیمی* باشد سپس برادر

برادر زنگنه: بحث کمپرسی دو قسمت است: یکی کمپرسی مردمی و دیگری کمپرسی دولتی. کمپرسی مردمی ۲۰۰۰ دستگاه است که ۱۰۰۰ تا موجود است و ۱۰۰۰ تای دیگر می آید. اگر دشمن در منطقه اجرای آتش کند، تأمین کمپرسی دولتی سخت تر است. دولت دستور آن را می دهد ولی تهیه آن از وزارت خانه های مختلف مشکل است ... من قول تهیه کمپرسی دولتی را نمی دهم چون سخت می آیند ولی کمپرسی مردمی را تهیه می کنم.

غلامرضا محرابی گزارشی از شناسایی های انجام شده ارائه می کند و ضمن آن به تقویت دشمن در منطقه پنج ضلعی و بوارین اشاره می کند.

در ادامه جلسه برادر احمد غلامپور طی سخنان نسبتاً مفصلی به موارد زیر اشاره می کند:

در طول جنگ همیشه منطقه شلمچه از نظر استحکامات مطرح بوده است. ما در اینجا به خاطر ذهنیتی که داشته ایم تا کنون کار اساسی نکرده ایم پس از کربلای چهار متوجه شدیم دشمن ضعف اساسی داشته و اگر سرمایه گذاری اساسی می کردیم. نتایج بهتری از کربلای ۴ به دست می آوردیم.

زمین این منطقه از بوارین تا زید به هم وابسته است و نمی شود در قسمتی عمل کرد و در قسمت دیگر عمل نکرد. دشمن با توجه به کربلای ۴ الان حساس شده و حداقل کاری که می کند توجه به خطوط پیدافندی اش است که ما چگونه عبور کرده ایم. بعد از یک هفته هنوز حساسیت دشمن را می توان مشاهده کرد. او سخت مشغول ترمیم مواضع خود می باشد. راه کار به لحاظ عقبه، به یک جاده منتهی شده که ما یک یگان جهاد سازندگی را کامل گذاشته ایم کار کند و این زمان می برد. اگر بر روی بوارین عمل نکنیم، دشمن هم در تهدید عقبه هایمان و هم با تقویت نیروهایش برای ما مشکل درست

* دشمن با استفاده از تأسیسات پتروشیمی کل منطقه شرق بصره را زیر دید شناسایی قرار داده بود.

می‌کند. عقبه ما به شدت محدود است. برادران توپخانه می‌گویند اگر دشمن ۵ گردان توپخانه را مختص به این منطقه بکند و جب به وجب آن توپ می‌خورد. آب گرفتگی از شش ماه به این طرف شرایط مختلفی داشته است. از دو ماه قبل رشد ارتفاع داشته و این ضمانتی ندارد تا ۹۰ سانت باقی بماند. امکان دارد دشمن آن را به ۳۰ سانت برساند. نفوذ خشایار برای اینجا خوبست ولی نمی‌شود متکی به آب باشد. عقبه با توجه به وضعیت آب ابهام دارد. اگر ده روز دیگر بخواهیم عمل کنیم خوبست ولی اگر زمان زیادی طول بکشد ضمانتی نیست که چه وضعی پیش بیاید. اگر باران ببارد کار مهندسی متوقف می‌شود. دشمن در حال تقویت منطقه است. با شلیک اولین تیر نیروهای احتیاط دشمن وارد منطقه می‌شوند، چون دشمن حساس است نیاز به غافل‌گیری داریم و اگر بخواهیم بازمان کم وارد عمل شویم، نمی‌شود غافل‌گیری را رعایت کرد و اگر حفاظت رعایت نشود مانند کربلای ۴ می‌شود.

ما به جز در فاو، عبور یگان از یگان نداشته‌ایم و اینجا نیاز به عبور یگان از یگان است. جناح راست با تیپ ۱۸ الغدیر است که اجرای این مأموریت در حد توان آن نیست.

در مجموع با وجود اینکه در سخنان فرمانده قرارگاه کربلا - قرارگاه اصلی عمل کننده - و یگان‌های عملیاتی نظرات مساعدی نسبت به منطقه و عملیات آتی نیز یافت می‌شد اما آنچه بیان شد به هیچ وجه با انجام عملیات در زمان مورد نظر - تعجیلی - تناسبی نداشت و پاره‌ای از مشکلات ذکر شده به تنهایی حداقل برای، تعویق عملیات کافی می‌بود.

سپس برادر عزیز جعفری به عنوان فرمانده قرارگاه دنبال پشتیبان درباره عملیات شلمچه می‌گوید:

ما کاری نکرده‌ایم ولی همین قدر می‌شود گفت که باید یک جاپایی بگیرند تا ما بتوانیم عبور کنیم.

آقای هاشمی رفسنجانی پس از استماع سخنان حاضرین، مجدداً با تشریح وضع سیاسی - اجتماعی موجود به این مسئله پرداخت که با وجود تمامی آنچه گفته شد به جز انجام عملیات، هیچ راهی وجود ندارد و در صورت انجام نشدن عملیات در

شلمچه ناگزیر شرکت در عملیات ارتش در غرب مطرح خواهد بود.

آقای هاشمی رفسنجانی:

ما خیلی چیزها از این صحبت‌ها فهمیدیم ولی کلتی که الان واحدهای رزمنده دارند شرایط استثنایی است در طول جنگ. حتی بعد از کربلای ۴ ما هیچ وقت این همه نیرو با امکانات نداشته‌ایم.

از نظر سیاسی و شرایط مردم وضع ممتازی داریم. قدر مسلم این است که اگر با این نیروهای موجود عمل نکنیم و اجازه بدهیم برگردند، به این زودی نمی‌توانیم نیرویی جمع کنیم. خیلی سخت خواهد بود ما تا به حالا عملیاتی نداشته‌ایم که چیزی به دست نیاوریم ولی تلفات داده باشیم. از طرفی عراقی‌ها اگر چنین چیزی را احساس کنند، ما در بعضی جاها امنیت نداریم [و حمله کنند] و اگر جایی را بگیرند هیاهو می‌کنند. مجموع این وضع به ما دیکته می‌کند که باید بجنگیم. این حرف‌های یک ماه و دو ماه قابل قبول نیست یعنی نجنگیم. آنچه من می‌فهمم [این است که] عملیات در هور نقد نیست، تازه وقتی آنجا آماده شد معلوم نیست وضع بهتری از شلمچه داشته باشیم. فقط ما یک فرض داریم که می‌خواستیم فردا مطرح کنیم، روی آن تا صبح فکر کنید، ارتش می‌خواهد در غرب با ۵۰ گردان عمل کند. اگر فکر می‌کنید از شلمچه منطقی‌تر است در آنجا عمل کنید. این محور که برادرها توضیح دادند روی شلمچه ... آقای غلامپور روی کمی نیرو صحبت می‌کرد این قدر هم نمی‌شود اینجا را از نظر نیرو شلوغ کرد.

برادر احمد غلامپور:

ما با ۲۶ گردان نتوانستیم ام‌الرصاص را پاک‌سازی کنیم. پس از طرح مجدد مسئله عملیات در غرب و در ادامه جلسه برادر حسین الله کرم به توجیه منطقه نفت شهر می‌پردازد و فرمانده قرارگاه نجف پس از چند روز شناسایی و بررسی وضعیت منطقه، از مأموریت محوله پیرامون گزارشی را در جلسه ارائه می‌کند. برادر مصطفی ایزدی ابتدا سه ویژگی را در رابطه با عملیات در غرب و مانور مورد نظر ذکر می‌کند:

۱- با توان فعلی انطباق داشته باشد.

۲- از عملیات ارتش مستقل باشد.

۳- ما را به هدف مشخصی برساند.

وی سپس با برآورد ۲۷۰ گردان برای این هدف، در مورد نتایج بررسی های انجام شده توضیحاتی داد. آقای هاشمی رفسنجانی پس از استماع گزارش فوق مجدداً تأکید می کند:

کلیت مسئله این است که ما دیگر نمی توانیم تأخیر بیندازیم. "قدرت ترین منطقه شلمچه است". در این مورد نظرات مختلفی بود بعضی ها می گفتند اگر می خواهید بشود، زودتر ... غلامپور می گفت با این واحدها کم است و ... این وضع را تا فردا روشن نکنید. عملیات دوم ما فعلاً به هور نمی رسد. ارتش هم تنها نمی خواسته عمل کند و اگر شما عمل نکنید [در جنوب] آنها شکست می خورند.

برادر محسن رضایی:

ما فرضمان این است که اگر پایین [شلمچه] نشود، اینجا [غرب] یک قرارگاه بزنیم و مشترک با ارتش عمل کنیم. برادر اسدالله ناصح - فرمانده تیپ نبی اکرم (ص) که به همراه برادر ایزدی از منطقه بازدید کرده بود: دشمن الان در آنجا نورافکن گذاشته.

برادر محمد کوثری:

به ما گفتند جاده آماده است ولی این طور نیست، یعنی زمان می خواهد.

برادر محمد فروزنده:

لشکر ۸۴ نگذاشت ما کارهای مهندسی شان را انجام بدهیم چون می گفتند دشمن متوجه می شود. کارهای خطشان را هم می خواستند که هم زمان با عملیات شروع شود.

چنانچه از روند جلسه مشهود بود، در اظهارات فرماندهی قرارگاه کربلا و یگان های تابعه نکته روشنی برای انجام عملیات شلمچه - آن هم به صورت تعجیلی و آن گونه که نظر آقای هاشمی رفسنجانی بود - دیده نمی شد. عملیات در هور نیز بنا به مشکلات و اعتقاد قرارگاه قدس و یگان های تابعه در واقع

منتفی بود، انجام عملیات مشترک با ارتش در غرب نیز بنا بر پیشنهادات و آنچه قرارگاه نجف بررسی کرده بود و نیز میزان آمادگی ارتش و مقدار زمانی که برای هماهنگی، آمادگی، ... و نیز کاهش حساسیت دشمن مورد نیاز بود، به نظر می رسید عملاً منتفی است. مقارن نیمه شب جلسه با ذکر این مطلب از سوی آقای هاشمی رفسنجانی که: "ما ضمناً آمادگی داریم حرف دیگران را بشنویم، به هر حال ما آمده ایم اینجا بمانیم تا تکلیف عملیات را روشن کنیم، ما ناچاریم عملیات کنیم." به پایان رسید و ادامه بحث ها تا رسیدن به تصمیم قطعی به فردا موکول شد.

جلسه بعدی در صبح روز ۱۳۶۵/۱۰/۱۱ با گزارش یگان های از عملیات کربلای ۴ و بررسی عملیات شلمچه ادامه یافت:

در بحث هایی که از سوی فرماندهی تیپ ۱۸ الغدير و فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله (ع) مطرح شد عمدتاً به مشکل جناح راست عملیات و نیز معضلات پشتیبانی و عقبه اشاره شد. برادر قاسم سلیمانی پیشنهاد می کرد در منطقه زید عمل شود تا پس از ایجاد عقبه مناسب بتوانیم از کانال ماهی عبور کنیم، منتهی این مسئله با توجه به هوشیار شدن دشمن و در نتیجه توقف در پشت کانال ماهیگیری - که فرماندهی لشکر ثارالله (ع) خود بر آن اذعان داشت - عملاً منتفی بود.

اهمیت جناح راست منطقه عملیات اساساً در ارتباط با عقبه نیروهای خودی، به هنگام عبور از کانال پرورش ماهی و نیز تهاجم به پنج ضلعی بود. در صورتی که تضمینی برای تأمین جناح راست عملیات به وجود نیاید عملاً نه تنها عقبه کل عملیات - در مراحل اولیه - بلکه عقبه یگان های عبور کننده از کانال ماهی نیز تهدید می شوند. بر این اساس تا مدتی قسمت عمده مباحث جلسه، حول این محورها بود. فرماندهی قرارگاه کربلا بیشتر بر روی یگان عمل کننده در جناح راست تأکید داشت و می گفت: در صورتی که یگان قوی باشد به آن صورت مشکل نخواهیم داشت.

برادر احمد کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف پیرامون کل منطقه شلمچه می گوید:

این منطقه برای ما نه عقبه دارد نه محل عبور. ممکن است

بشود ۱۰ نفر، ۲۰ نفر را عبور داد ولی این یواش یواش می رود و همان جا خواهد ماند ... ما باید یک زمینی پیدا کنیم که جنگ منطقی بکنیم مثل: فتح المبین، والفجر مقدماتی و ...

آقای هاشمی رفسنجانی:

آنجا کجاست به نظر شما؟

برادر احمد کاظمی:

باید بررسی کرد.

آقای هاشمی رفسنجانی:

بررسی! شما مرز را مثل کف دستتان می شناسید، فوراً می توانید بگویید.

روند مباحث جلسه به مرور شکل دیگری به خود گرفت و مسائل عقبه، پشتیبانی و غیره بر آن اضافه شد. مطرح شدن بحث های تاکتیکی و پاسخ روشن نداشتن برای سوالات، به نظر می رسید که مباحث به جای حل مشکلات، بیشتر لاینحل بودن آن را نشان می داد، تا آنجا که نظریه "عدم انجام عملیات در شلمچه" به صورت جدی تری بر جلسه حاکم شد به نحوی که این سؤال از سوی آقای هاشمی رفسنجانی مطرح شد که پس کجا باید جنگید؟

مجدداً بحث ها از سر گرفته شد و گفت وگوهای پراکنده ای صورت گرفت از جمله برادر احمد کاظمی بر روی قسمتی از منطقه کربلای ۴-سرپل قرارگاه نوح(ع)-نظر داشت و معتقد بود می شود در آنجا با دشمن جنگید.

پس از بحث و بررسی هایی که انجام شد آقای هاشمی رفسنجانی از یگان های عمل کننده نظرخواهی نموده و می گوید:

قرارمان است نظرخواهی کنیم، هر چه آقایان، البته غیر از این هم از شما انتظاری نداریم که چیزی را مخفی کنید، هر چه عقیده شماست همان را بفرمایید که به نتیجه برسیم. از پایین شروع می کنیم. از فرماندهان می پرسیم که ببینیم چقدر این مأموریتی که به آنها واگذار شده است را قبول دارند.

برادر اسماعیل قآنی فرمانده تیپ ۱۲ امام رضا(ع) که دو مأموریت داشت: یکی عبور از لشکر ۵ نصر در شلمچه و دیگری

انجام عملیات در بوارین، مأموریت دوم خود را به شرط آنکه امکانات مناسبی مانند زرهی و نیز یک یگان نسبتاً قوی برای عبور وجود داشته باشد، قبول داشت.

نظر فرمانده لشکر نصر - قالیباف - این بود که:

این حرکت مانور لشکر ۵ در شلمچه را یک حرکت مثبت و منفی و موفقی نمی دانم که بتوانیم برویم یک جایی را گرفته باشیم. دشمن بعد از درگیری در پنج ضلعی هوشیار می شود. و شکستن خط مشکل خواهد بود.

فرمانده تیپ ۱۲ قائم(ع) می گفت که:

نظر ما، نظر قالیباف است. وی پس از مقداری بحث با آقای هاشمی رفسنجانی می گوید: اگر همه تشکیلات بدوند و تایک هفته دیگر عمل شود مناسب است.

برادر علی فضلی فرمانده لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) شرط اصلی را زمان ذکر می کند وی می گوید:

یا زمان خیلی سریع باشد یا زمانی بگذاریم که باز بشود دشمن را غافل گیر کرد.

وی گذشته از مسائلی که وجود داشت در مورد انجام عملیات می گفت: هر کجا به ما تکلیف بشود همان جا خواهیم جنگید.

نبی رودکی - فرمانده لشکر ۱۹ فجر معتقد بود بایستی ۲۰ روز بگذرد تا از حساسیت های دشمن کاسته شود.

فرماندهی لشکر ۳۱ عاشورا برادر امین شریعتی نیز علاوه بر مشکلات ذکر شده به مسئله کندی در پاک سازی اشاره می کند و با توجه به مسئله غافل گیری معتقد است: این منطقه مناسب نیست. و پیشنهادی شبیه پیشنهاد برادر احمد کاظمی - عملیات در منطقه کربلای ۴- را مطرح می کند.

برادر قاسم سلیمانی: فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله(ع) می گوید: چون ما هر کجا عمل کنیم ۲۰ روز الی یک ماه زمان می خواهد، پس برویم در مهران عمل کنیم.

برادر میر حسینی - فرمانده تیپ الغدير - با اشاره به مشکلات جناح راست عملیات و فشارهای متعددی که دشمن از روی سیلبندهای مختلف وارد خواهد کرد می گوید: ما

مخالف هستیم" و پیشنهاد ایشان این بود که برویم "جایی که خشک باشد".

در ادامه جلسه با پیشنهاد برادر محسن رضایی قرار شد که فرماندهان لشگرهای ۲۵ کربلا، ۸ نجف و ۱۴ امام حسین (ع) عملکرد یگان های خود در عملیات کربلای چهار را گزارش دهند و بعد نظرات پیرامون شلمچه ادامه یابد. پس از گزارش برادران مرتضی قربانی و احمد کاظمی، برادر حسین خرازی گزارش لشگر امام حسین را ارائه می کند و ضمن آن می گوید که امکان ادامه عملیات از بلجانیه وجود دارد و عدم توفیق یگان خویش را نیز به علت نیامدن یگان های چپ و راست خود ذکر می کند. گزارش لشگر امام حسین (ع) عاملی می شود برای آنکه برخی مباحث پیرامون فرماندهی عملیات در کربلای ۴ که

تاکنون به صورت نامحسوسی مطرح می شد، در جلسه طرح شود.

انتقادهای آقای هاشمی رفسنجانی ابتدا بر سر "بلجانیه" استفاده از موفقیت لشگر امام حسین "و پاک سازی تنگه" بود اما چون در واقع از مسائل

عمده تری ناشی می شد عمومیت بیش تری پیدا کرد و به طرح مسائل ذکر شده انجامید. مسئله این بود که هم فرماندهی کل جنگ - آقای هاشمی رفسنجانی - و هم فرمانده کل سپاه - برادر محسن رضایی - تحت فشارهای زیادی قرار داشته و هر یک، علاوه بر مشترکات، با مسائل خاص خود نیز دست به گریبان بودند. در این شرایط بحث درباره عملیات آتی تصمیم گیری تا اندازه ای دشوار پیچیده شده بود.

طبعاً برخی برخوردها طبیعی بود پیش از این نیز پس از عملیات بدر، وقتی بحث درباره ادامه جنگ بود انتقادهایی در رابطه با میزان پشتیبانی از جنگ مطرح شد. و اکنون نیز در شرایط مشابه، انتقادهایی که نسبت به فرماندهی و هدایت عملیات کربلا ۴ وجود داشت در جلسه امکان طرح یافت.

جلسه برای ادای نماز ظهر و صرف ناهار تعطیل شد. بعد از نهار جلسه با ادامه گزارش عملیات کربلا ۴ و نظرخواهی از یگان ها ادامه یافت و فرماندهان لشکرهای ۱۷ و ۳۲ پس از گزارش عملیات کربلای ۴ نظرات منفی خود را نسبت به عملیات شلمچه ابراز کرده و مناطق دیگری را پیشنهاد کردند. فرمانده لشکر ۷ ولی عصر (عج) نیز به شرط حل مشکلات، نظر مساعد داد اما در کنار شلمچه فاو را نیز پیشنهاد نمود.

بررسی عملیات در غرب کشور - سومار - موضوع بعدی بود که با گزارش قرارگاه نجف در جلسه مطرح شد. فرماندهی قرارگاه بر این نظر بود که نیروی زرهی مناسبی به منطقه آمده، توپخانه به تعداد زیادی وجود دارد و ما در مراحل بعدی می توانیم روی خاتمین عمل کنیم. یک ضعف منطقه مسئله

حفاظت است. منطقه کاملاً لو رفته و اگر بنا باشد در این منطقه کاری صورت بگیرد، باید منطقه قرنطینه شود و بعد از آرامش منطقه، نیروهای بومی منطقه تخلیه شوند و سپس کار انجام شود. اساس کار با ارتش در غرب مبتنی بر این بود که سپاه در

فرماندهی کل سپاه که از طرفی تحت فشار طاقت فرسای نتایج کربلای ۴ قرار داشت و از سوی دیگر در رابطه با عملیات آینده، با انبوه مشکلات و از جمله تردیدهای عناصر و یگان های عملیاتی مواجه بود، حضور و مشارکت بیشتر فرماندهی جنگ در تصمیم گیری ها را مثبت ارزیابی می کرد.

جناح راست منطقه عملیاتی با یک قرارگاه عمل کند و ارتش در سمت چپ منطقه با یک قرارگاه و تنها خط حد بین دو قرارگاه مشترک باشد تا بدین وسیله با کاهش میزان اتکای دو محور به یکدیگر، درصد تضمین پیروزی عملیات افزایش یابد.

بر خلاف آنچه که پیش بینی می شد عملیات در منطقه غرب در صورتی که سپاه می خواست در قسمتی از منطقه اجرای مأموریت کند به لحاظ ضرورت هایی که در زمینه، نقل و انتقال، عقبه سازی، هماهنگی با ارتش و ... وجود داشت عملاً با تعجیلی که مورد نظر آقای هاشمی بود و به عنوان الویت دوم زمانی بعد از شلمچه مطرح بود، انطباق نداشت. نکته دیگر آنکه از سخنان برادران استنباط می شد که مسئولین قرارگاه نجف عملیات در جنوب را به عملیات در غرب ترجیح می دهند.

پس از آنکه مسائل فوق در ارتباط با عملیات غرب کشور مطرح شد برادر محسن رضایی با توجه به شرایط فعلی و حضور نیروها و تخلیه یگان‌ها از منطقه، نکات زیر را مطرح می‌کند:

انقلاب ما صاحبی دارد و این بیت و این خانه اسلام سرپرستی دارد که قطعاً آن صاحب بیشتر از ما به فکر حفظ آن است و او بیشتر دلسوز است برای اسلام و زحمات پیامبر. این طور نیست که فقط ما هستیم که به فکر اسلام باشیم اگر ما امیدمان از همه جا قطع شود عیب ندارد، امیدمان به او قطع نشود.

خداوند می‌فرماید ما شما را نصرت می‌دهیم و هدایت می‌کنیم. ما اگر بصیرت پیدا کنیم به کجای دشمن آسیب بزنیم این از همه چیز مهم تر است.

باید این را بپذیریم که [در کربلای ۴] این رحمتی بود که قبل از اینکه تمام امکانات عبور کند و منهدم بشود، بفهمیم و باییم عقب. ما باید بفهمیم دشمن چه چیزهایی را از ما فهمیده که پس از این شناسایی خودش را علیه ما آماده کرد، درک این واقعیت‌ها مانور ما را اصلاح می‌کند.

دو نکته برای ما ثابت شد، یکی اینکه دشمن بسیار متزلزل است، [معنی] گزارش [یگان‌های ۵۷، ۳۳، ۳۲ و امام حسین این است که بیان امام که دشمن متزلزل شده، الهی است ...

نکته دوم اینکه دشمن فهمیده ما با غواص حمله می‌کنیم و باید نهرها، آب و عقبه را زیر آتش بگیرد. عبور ما از روند با توجه به اینکه ما باید به تاکتیک‌های تازه‌ای مسلح بشویم، در زمان

محسن رضایی: ما مدت‌ها پیش به این نتیجه رسیدیم که باید از ابتکار عمل برخوردار باشیم و جنگ‌های جدیدی طراحی کنیم. در جنگ‌هایی که برای دشمن پیش‌بینی است نمی‌شود پیش‌روی کرد. در [گذشته] جنگ از نظر کلاسیک به بن‌بست رسید ولی هور گشایشی بود که نتوانستیم استفاده کنیم، فقط عبورمان خوب بود.

کوتاه امکان‌پذیر نیست. [از آنچه در کربلای ۴ گذشت] می‌توانیم دو نتیجه را بگیریم:

۱- هر نیرویی پیش‌روی کرد معلوم شد دشمن در عمقش متزلزل است.

۲- هر اطلاعاتی که دشمن از ما داشت و فهمید از کجا حمله می‌کنیم توانست مقابل ما را سد کند.

اگر ما نخواهیم در جنوب بجنگیم باید از جنوب دست برداریم و [به مناطق دیگر برویم] که در فصل زمستان از سد دربندیخان به بالا نمی‌توانیم برویم و باید در جبهه میانی کار کنیم، تا نیمه اسفند اگر در جنوب کار نکنیم باید وقتمان را بگذاریم در جبهه میانی و آن را آماده کنیم. ما چه در جنوب بجنگیم و چه نجنگیم باید آنجا را آماده کنیم، ما بایستی قرارگاه نجف را در آنجا فعال کنیم و یک تادویگان دیگر به آنها بدهیم. منطقه شلمچه را می‌شود مشروط کار کرد:

۱- جناحین: یابوارین یا زید را عمل کنیم. یکی از جناح‌ها را باید حل کنیم.

۲- پشتیبانی: اگر سطحه و نفربر خشایار جواب بدهد و کانالی که سیدالشهدا کار می‌کند جواب بدهد.

۳- کار مهندسی در خط برادر محسن رضایی نتیجه عملیات را به شرط حل مسائل ذکر شده، موفقیت آمیزی خواند و می‌گوید:

دشمن در عمق آب گرفتگی پیش‌بینی نمی‌کند که ما حمله کنیم. [عملیات] با حل جناحین و عقبه، آینده روشنی دارد و در عین حال تأکید می‌کند: شلمچه به عنوان آخرین راه کار و آخرین تجربه جنگ در جنوب می‌ماند، چون دیگر تاکتیک جدیدی وجود ندارد باید روی این سرمایه گذاری کنیم و ی در ادامه حذف کامل هور را رد می‌کند و می‌گوید:

در مورد هور الان نمی‌شود نظر قاطع داد. باید کار کرد، اگر شلمچه نشد، غرب نشد، اینجا بشود کار کرد. ما باید از هم اکنون یک باب جدیدی باز کنیم که اگر بخواهیم در جنوب بجنگیم، تاکتیک‌های جدیدی لازم است. منتهی باید از استراتژی امام که "هر جا می‌خواهید، عمل کنید ولی به دشمن زمان ندهید."

پیروی کنیم و آن را فراموش نکنیم، باید از امام سؤال کرد آیا می شود به خاطر هجوم های ایده آل از عملیات کوتاه مدت دست برداشت؟ اگر مادر جنوب به همین اندازه که منطقه ای را بگیریم و این مسائل را داشته باشیم: قابل موفقیت، قابل نگهداری و گرفتن اسیر با توجه به اینها بحث کنید. سپس برادر محسن خطاب به برادر شمشخانی می گوید:

مثل اینکه حاج آقا [هاشمی] می خواهد با من صحبت کند. یک جمع بندی حول محور شلمچه، هور، عملیات قرارگاه نجف در غرب بکنید، با یک فواصل زمانی قابل قبول و شرایطی که می خواهیم یعنی با این شرایط، با دقت ها و حساسیت ها مثلاً می شود کار کرد. یک چیز این طور آماده بکنید که به عنوان جمع بندی نظرات گفته شود.

در اینجا برادر محسن پیرامون حضور آقای هاشمی و مسائل مطروحه و جلسات گذشته، توضیحاتی ارائه می دهند: "ما سیاستمان این بود که کار را شروع کنیم، در همه جاهایی که می توانیم و احتمالش هست که هم به نظرات روشن و مشخص و ارائه برسیم، هم بعد بحث ها را انجام بدهیم. البته از این ۵-۴ روز خیلی خوب استفاده کردیم، اما شاید ۳-۲ روز دیگر واقعاً بیشتر می توانستیم کار کنیم و ما دو سه روز مان را از دست دادیم. منتهی خوب با آمدن آقای هاشمی - که خودمان اصرار کردیم که ایشان بیاوند تا به مسائل جبهه و جنگ بیشتر نزدیک شوند - نشستیم که حالا بیاییم روی شلمچه بحث کنیم روی هور بحث بکنیم و ... شاید لازم بود خودمان جلساتی می گذاشتیم با آقای هاشمی می گفتیم ولی ما تعمداً این کار را کردیم [تشکیل جلسات گسترده] ما آقای هاشمی را جزو خودمان می دانیم و در واقع به عنوان فرمانده سپاه به ایشان نگاه می کنیم، غیر از نماینده امام یعنی به نظر خود ما خیلی مؤثر بود. بچه ها عملیات را توضیح دادند، زحماتی که کشیده اند توضیح دادند. با این حال که ایشان این قدر در جزئیات قرار گرفته، باز در ذهنشان ابهام است که آیا می شد پیش برویم یا نه؟ خوب شما مطمئن باشید این ابهامات هر چه در ذهن مسئولین باشد در انسجام نیرو مسئله می سازد و این به خاطر فاصله

برادران است از میدان نبرد و لذا ما باید استقبال بکنیم از آمدن برادران به میدان جنگ و اینکه در جزئیات قرار بگیرند و با مشکلات آشنا بشوند و ببینند کجا پیش روی بوده کجا نبوده؟ کی چه امکانی می خواهد؟ توپخانه برای چیست؟ شیمیایی برای چه؟ اینها مسائل مهمی است که ما باید از اینها استقبال بکنیم."

برادر علی شمشخانی در مورد خواسته برادر محسن در زمینه ارائه جمع بندی از این جلسه می گوید:

آماده سازی عملیاتمان یک توان مهندسی بالا می خواهد. به دلیل عدم آمادگی جبهه ها ما خط فاو را داریم، می خواهیم در شلمچه کار کنیم هور را هم آماده کنیم، عملیات با ارتش [غرب] را هم آماده کنیم، اینها قابل جمع نیست. ضمن اینکه زمان هم یک چهره دیگری را به ما نشان می دهد. عملیات شمال غرب هم قرار است آماده سازی شود از حالا باید روی آن کار کنیم، نیازمندی های مهندسی مان مشخص است. با همه این احوال ما چنین توانی نداریم که روی همه اینها کار کنیم. یعنی توان قرارگاهی و نظارت داریم ولی توان کار مهندسی نداریم. با توجه به این وضعیت در پیشنهادهایی که می آوریم عملیات شلمچه جزء آنها باشد یا نه؟ چون فرمانده قرارگاه ها همه شان این را نفی کرده اند.

برادر محسن رضایی: حرف یگان ها مسئله ای ندارد. آن سوالات یگان ها سوالات خود ما هم هست.

ما باید پشتیبانی را برای خودمان حل کنیم، برای آنها هم می توانیم حل کنیم. این مسئله ای نیست، مسئله یگان ها قابل حل است.

برادر احمد غلامپور:

در ارتباط با روحیه یگان ها در مورد شلمچه فکر می کنم شرایط خاص فعلی است وقتی ما به آنها می گوئیم اینها باور ندارند ده روز دیگر عملیات است. واقعیت امر هم این است که عملیات شلمچه با عجله می شود، جبهه ایست که باید با حوصله کار کرد. مشکلاتش را بررسی کرد، امکاناتش را پای کار آورد. اگر یک مقدار زمان بگذارید روی این مسائل و به

بچه ها بگوئید، فرض کن نیروهایتان را بفرستید مرخصی و برگردند تا شناسایی بکنند، به آنها خشایار بدیم بیایند پای کار کم کم باورشان می شود، به خصوص یکی دو یگان مثل مرتضی قربانی که بیایند پای کار آنها هم روحیه می گیرند.

برادر محسن رضایی:

یگان ها قابل حل است. باید دنبال این مشکلات بود، پشتیبانی، مهندسی و جناحین. این سه تا را حل کنیم. زمان را باید نه کم بگیریم و نه زیاد بگیریم. باید پیش رفت کارها را یکی یکی کنترل کنیم. از نظر خود ما مثلاً باید تمام سازمان دهی خشایار راه بیفتد، چک شود. مانورش را ببینیم، ممکن است یک هفته دیگر ممکن است دو هفته دیگر، نمی دانیم عملیات چه زمانی است.

برادر علی شمخانی: وضع فعلی نیروها؟

برادر احمد غلامپور: حداکثر تا یک هفته دیگر این نیرو هست. این تصمیم باید گرفته شود که بروند یا نروند.

برادر محسن رضایی جلسه را ترک کرد و جلسه با مدیریت برادر شمخانی ادامه یافت. در جمع بندی حاصله نتایجی گرفته شد که تکلیف مسئله مورد نظر آقای هاشمی یعنی تسریع در زمان عملیات به خوبی روشن نشده. علاوه بر آن چنانچه برادر شمخانی نیز یادآور شد با وجود آنکه سپاه در چند منطقه تلاش می گذارد. در عمل بیش از یکی از آنها را نمی تواند از نظر پشتیبانی و مهندسی تدارک کند. در واقع این یک ثوری بود که در اجرا ضمانت نداشت - چنانچه بعدها همین طور شد.

در ادامه جلسه با طرح مشکلات و شرایط موجود، خود به خود محورهای دیگری مطرح شد و به تدریج اساس این گونه تلاش های نظامی به نوعی مورد سؤال واقع شد. پیرامون شرایط انجام عملیات سه مسئله زیر مطرح شد.

۱- ماهیچ عملیاتی را تضمین نمی کنیم که پیروز شویم. (۱۶)

۲- هیچ عملیاتی را تضمین نمی کنیم که لو نرود. (۱۷)

۳- هیچ وقت تابع جو سیاسی نخواهیم بود. (۱۸)

در مورد منطقه شلمچه نیز چند بحث وجود دارد: انجام کارهای مهندسی که زمان معقول می خواهد حفاظت از

عملیات، تأمین نیرو و حد گسترش در جناحین عملیات.

روند جلسه و تصمیماتی که اتخاذ شد در ادامه همان پیشنهادات سپاه و فعال کردن چند قرارگاه در چند منطقه بود و به نظر می رسد عملیات در شلمچه دشوار است و امکان آن اندک است. برادر رحیم صفوی در همین زمینه می گوید:

ما اینجا این شرایط را داریم: دشمن هوشیار، قیراق، تجمع کرده و توپخانه اش را آورده، زمین تکه به تکه مسلح است، من با شناختی که از این زمین دارم، اینجا یک زمین بسیار پیچیده است، من مطمئنم اینجا رده به رده مین گذاری و سیم خاردار است... الان دشمن هوشیار است.

با این تصورات و برداشت ها حاضرین جلسه را به منظور جلسه با آقای هاشمی رفسنجانی ترک می کردند. پس از حضور برادران در جلسه با آقای هاشمی رفسنجانی، برادر محسن راجع به مسائل و مناطق مختلف از جمله منطقه شلمچه توضیح داد پس از آن آقای هاشمی رفسنجانی سؤال می کند:

شما در مجموع نظرتان مثبت است دیگر؟ چون قبلاً هم به صورت خلاصه به من گفتید اما با این توضیحات که دادید نظرتان در مجموع مثبت است.

برادر محسن رضایی:

نظرمان مثبت می شود ان شاء الله یعنی از اینجا ناامید نیستیم؟

آقای هاشمی رفسنجانی:

ناامید نیستید که [مکث کوتاه] شرایط جنگ الان به صورتی که باید از اینجا با تصمیم برویم تهران باید تصمیم بگیریم ضمناً امام هم راضی نیستند. برادران بدانند امام قطعاً از تأخیر در عملیات راضی نیستند. پیش از اینکه عملیات شروع شود [کربلای ۴] ایشان یک جمله ای به من گفت که من حالا زود می دانم این جمله را به شما بگویم. بعداً حالا وقت هست، من به تلخی آن جمله تا به حال از امام در مورد جنگ و رزمندگان نشنیده ام. چیز خوبی نبود، بعد هم خودشان مایل نبودند من نقل بکنم جمعی هم بودند، من تنها نبودم که این جمله را ایشان گفتند. ایشان ناراضی هستند از تأخیرها، و شاید هم بعد در

تحلیل ایشان یکی از عوامل ناموفقیت عملیات گذشته، تأخیر یک ماهه گذشته بوده است. از حرف های ایشان من این طور می فهمم، تعبیری که: اینها به انتظار اینکه داس پیدا کنند شمشیر را از دست می دهند.

آقای هاشمی رفسنجانی: نسبت به اظهار نظراتی که صورت گرفت می گوید:

من از بحث های شما استفاده کردم ولی جمع کردن نظرات شما مشکل است و توقع نکنید که فرماندهی همه شما را راضی کند. فرماندهی به یک جمع بندی که رسید تصمیم می گیرد.

برادر محسن رضایی:

ما نظرات برادران را می گوئیم ... اصلاً سیاست این نیست که نفرات حرف بزنند. ما هیچ وقت در جنگ این جورى نجنبیده ایم. برادرها پیشنهاد می دهند. روى این کار می کنند. مثلاً این پشتیبانی که می گویند، ما باید برای آن فکری بکنیم. ما باید بنشینیم با هم بحث بکنیم که مشکل پشتیبانی چه می شود. پیشنهادات مختلف می آید و به هر حال ما به یک راه کار می رسیم. بعد که وحدت نظر شد، آن موقع هر کس صحبت می کند انسان فکر می کند اینها تبانی کرده اند که همین طور حرف بزنند، درست هم هست چون ما باید یک مقدار قبل از بحث ها به یک وحدت نظر می رسیدیم بعد صحبت می کردیم. ولی ما می خواستیم خود شما درگیر جزئیات بشوید و کل مسائل منتقل بشود به شما. [بنابراین] قبل از این که ما خودمان جلساتی بگذاریم گفتیم حضرت عالی تشریف بیاورید الان پیشنهاد ما روشن است. پیشنهاد اول برادرها شلمچه است، منتهی می رویم دنبال مشکلاتش که آنها را حل بکنیم. منتهی اگر نظر می خواهید که خوب این یک عملیاتی است که صد در صد موفق می شویم؟

آقای هاشمی رفسنجانی:

۱۰۰٪ که این طور نیست.

برادر محسن رضایی:

این را نمی شود الان جواب داد. ما باید ببینیم چقدر درصد پشتیبانی مان قابل حل است بعد می توانیم بگوئیم ان شاء الله

مثلاً ما این قدر درصد می توانیم روى موفقیتش حساب کنیم ولی اینکه نظر ما باشد

آقای هاشمی رفسنجانی:

من می گویم باید عمل کنید. باید نتیجه بگیرید که اینجا عمل بکنید.

برادر رحیم صفوی:

مشکلاتش را باید حل بکنیم یا نه؟ بدون اینکه مشکلاتش را

حل بکنیم برویم عمل کنیم؟

آقای هاشمی رفسنجانی:

بروید حل کنید، مشکلات اینجا لاینحل نیست.

برادر محسن رضایی:

برادرها می گفتند که اگر اینجا تکلیف است ما دنبال حلش می رویم.

آقای هاشمی رفسنجانی:

بله تکلیف است.

برادر محسن رضایی:

چون شما خودتان فرمودید که حالا بگوئید مخالفید یا موافقید؟ اینها می گفتند به نظر ما مشکل است چپ و راستمان. ولی این مشکلات بحث نظامی باید رویش بشود و راه حل پیدا بشود تدبیر شود. به هر حال این طور نیست که حالا کسی ناامید شده از اینجا که قابل عمل نیست، برای اینکه این کاری است که ما تازه با این صورت شروع کرده ایم. ما قبلاً در عملیات قبلی، می خواستیم یک منطقه ای را از اینجا [شلمچه بگیریم] اصلاً بحث اینکه باییم در اینجا از فضای بیش تری استفاده کنیم و تمام نیرو و قدرتمان را متمرکز کنیم اینجا، بحث نبود ...

با این توضیحات جدید تغییراتی [ایجاد] شده که باید این با

برادرها بحث بشود. من از جانب برادران می گویم اینها

همه شان تکلیف را انجام می دهند، عاشقانه هم انجام می دهند

و خودشان اول خط قرار می گیرند، از فرمانده قرارگاه تافرمانده

لشکر این بیانگر این است که واقعاً تمایل دارند و آماده هستند،

منتهی شما اجازه بفرمایید که ما برای بالا بردن موفقیت،

مشکلاتمان را به هر تدبیری شده حل بکنیم. و حتی اینجا

[کربلای ۴] واقعاً همه در ذهنشان بود که حتی یک روز عقب بیفتند، منتهی چون احساس می شد منطقه ممکن است لو برود و ما تمایل حضرت عالی را هم دیدیم، برای اینکه سرعت بدهیم، یک روز زودتر، یعنی همان روزی که در ذهن حضرت عالی بود، همان را انتخاب کردیم. الان اینجا هم همین طور، هیچ فرقی ندارد.

آقای هاشمی رفسنجانی:

تمایل ما که اون یک ماه قبلش بود و ...

برادر محسن رضایی با اشاره به تجربه عملیات کربلای ۴ می گوید:

باید ما دیگه پشت دستان را داغ نکنیم که ... ما فشار باید بیاوریم که امکانات بگیریم، فشار بیاوریم از یک جا امکاناتی را جمع نکنیم و بیاوریم ما باید به امکانات اعتماد نکنیم. همان کاری که در فاو کردیم. رمز موفقیت ما در فاو این بود که تا آخرین روز هی دعوا کردیم ولی پیش خودمان هیچ اعتمادی نکردیم. مثلاً ما گفتیم خط اول را بگیرند ...

آقای هاشمی رفسنجانی:

شما عنصر توکل برایتان اصالت زیادی داشت الان عملیات هایی را که حالا وارد می شوید همگی چندین برابر زمان های قبل امکانات دارید الان هر لشکر سپاه مثل یک سپاه قدیم است ...

برادر محسن رضایی در مورد عملیات کربلای ۴ اشاره می کند که طرح قبلی توسعه طلبانه بود و فکر می کردیم حالا با یک عملیات، جنگ را تمام خواهیم کرد.

آقای هاشمی رفسنجانی:

الان شما می گوید پشتیبانی، پشتیبانی یک چیزی است که از ۵۰ تا خشایار شروع می شود تا ۲۰۰ تا خشایار ... همین جا که شما می گوید ممکن است این قدر سر این جاده معطل کنید که دشمن دقیقاً بفهمد که شما دارید اینجا چه کار می کنید. دشمن هم نباید اینجا مقابل شما بایستد اگر بناست این جور بشود باز این عین مسائل قبلی خواهد شد اینجا [شلمچه] قبلاً شما وارد شده اید و خط را هم شکسته اید منتهی حالا باید یک مقدار

قوی تر عمل کنید ... باید سریع تر عمل کنید، [نه اینکه] دوباره بمانید، یک مدتی بنشینید سر این مسائل بحث نکنید. الان شرایط ما این نیست دیروز آمده اند در غرب بمب شیمیایی ریخته اند، مسجد سلیمان را خراب کرده اند، یک مقدار امکانات شما را گرفته اند دیگر فردا شما یک روز هاگ تان را می گیرند و فردا دیگه هاگ ندارید که بیاورید. هر روزی شما یک چیزی به دست می آورید ولی چیز زیادی را از دست می دهید. این یک ماه که معطل شده اید یک بار ۴۰ هلی کوپتر در باختران از ما زده اند ۴۰ تا هلی کوپتر هم در مقدمه این عملیات از رده خارج شد. ۴۰ تا هلی کوپتر شما چه به دست آورده اید که این قدر از دست داده اید؟ امروز ۹ تا خلبان شهید شده که اینها هم نهایی بوده اند که می خواسته اند در عملیات شما را پشتیبانی کنند. فردا یک جای دیگر را می زنند، ما که یک منبع خاص نداریم که خودمان را تقویت کنیم، هر روزی که می گذرد، همین امکاناتمان هم از دست می رود عنصر توکل را قوی کنید خداوند این همه نیرو به شما داده، این همه آشنایی با منطقه دارید، رفته اید، برگشته اید.

برادر محسن رضایی:

عقبه های ما پای کار حاضر است اینجا.

آقای هاشمی رفسنجانی:

خیلی خوب، اگر پای کار است دیگه ... اینها عواملی نباشد که سرد شود.

برادر محسن رضایی:

از نظر زمانی زودترین جایی که می توانیم، عمل کنیم اینجا است [شلمچه].

آقای هاشمی رفسنجانی:

همین زودتر شما، می تواند تا سه هفته دیگر طول بکشد. اگر ما بخواهیم همین طوری صبر کنیم، اگر بخواهیم این جور صبر کنیم که نمی شود. این همه نیرو دارید. "ما باید با این همه نیرویی که در جبهه داریم هر روز یک کاری انجام می دادیم." الان ما هر روز داریم می خوریم. یا یک بیمارستان مان خراب شده یا شهرمان خراب شده یا نیروگاه همان خراب شده: ما طرفدار

ادامه جنگ هستیم و هیچ چیزی هم به دست نمی آوریم. الان هفت ماه است شش ماه است منتظر این عملیات هستیم و هر روز هم خورده ایم. شما اگر نگاه بکنید یا کشتی از مازده اند یا پل زده اند، یا قطار زده اند، یا کارخانه زده اند، شهر زده اند در

تمام این مدت ما تحلیل رفته ایم که همه اش مربوط به جنگ است. الان شما برای اون هفته که پیش شما بودم حدس زدم که دارید این قدر برای شما خمپاره می سازیم. کارخانه های برق ما الان نصفه کار می کنند آقای رفیق دوست می خواهد برای شما قایق بسازد. من که آنجا بودم، برق نبود. یعنی خاموش است و کارخانه کار نمی کند در صورتی که سه هفته پیش این طوری نبود. تمام کارخانه کار می کردند. فردا ممکن است کارخانه نداشته باشید. این چه بعدی دارد که دوباره فردا بیایند اراک را بزنند و ما کارخانه نداشته باشیم که برای شما خمپاره بسازد. این طور نمی توانیم. خیال می کنند چیزی به دست می آوریم؟ تأخیرها برای شما شکننده است آفت است الان برای ما روحیه هایمان را تضعیف می کند. خیلی داریم ضرر می کنیم. تصمیم بگیرند. توکل بر خدا کنید، در حد معقول هم امکانات دارید. قدرت [هم] می رسد.

آقای هاشمی رفسنجانی مسئله را تمام شده فرض می کند و به تعیین زمان انجام عملیات می پردازد:

خوب، من مثلاً حداکثر یک هفته دیگر را از همین تاریخ منطقی می دانم. امروز جمعه است تا یک هفته دیگر به شما فرصت می دهم. عملیات دوم هم که بنا است در غرب انجام شود، حداکثر باید تا آخر این برج انجام شود. ارتش آنجا آماده است، بقیه آقایان بروند آنجا - اون هایی که می خواهند بروند آنجا، بروند کار بکنند، ارتش بیاید بیرون، مهندسی آنجا را تقویت بکنیم این جور باید عملیات پشت سر هم انجام شود.

برادر محسن رضایی:

احمد غلامپور: در طول جنگ همیشه منطقه شلمچه از نظر استحکامات مطرح بوده است. ما در اینجا به خاطر ذهنیتی که داشته ایم تا کنون کار اساسی نکرده ایم پس از کربلای چهار متوجه شدیم دشمن ضعف اساسی داشته و اگر سرمایه گذاری اساسی می کردیم. نتایج بهتری از کربلای ۴ به دست می آوردیم.

در جمع بندی برادران هست که هم در این رابطه و هم در آن منطقه [غرب]... آقای هاشمی مجدداً بر روی زمان تأکید می کند:

من یک هفته می گویم. یعنی با سیاست گذشته ای که در جبهه بود مخالف هستم یعنی

اگر آقایان قبول دارند فرماندهی را و فکر می کنند ... البته این طور نیست بگویم امام گفته اند یک هفته ولی امام با تأخیر مخالف است. یعنی امام تأخیر را آفت می دانند شما یادتان است خودتان آنجا بودید، امام به شما گفتند که ولو با چیز شده، شما هر روز ایذایی بکنید، نگفتند؟ کدام سیاست اجرا، شد؟

برادر محسن رضایی:

این به خاطر این است که مالقمه را بزرگ می گیریم.

آقای هاشمی رفسنجانی:

این درست نیست.

برادر محسن رضایی:

این را شما تعیین کنید.

آقای هاشمی رفسنجانی:

من الان دارم تعیین می کنم.

برادر محسن رضایی:

شما اگر بخواهید آن سیاست را عمل بکنید، می شود سریع

و پشت هر هم عمل بکنیم و پشت سر هم ضربه بزنیم.

آقای هاشمی رفسنجانی:

اگر نمی توانید یعنی واقعاً... حالا شما عملیات شلمچه را

بروید انجام بدهید.

برادر محسن رضایی:

حالا کوچک بگیریم اگر شد گسترش بدهیم، گسترش

می دهیم اگر نشد یک چیز حداقلی به دست آورده باشیم.

آقای هاشمی رفسنجانی:

دائماً باید بجنگید، شما می توانید در فاو بروید به سمت پل

ام‌القصر، چزابه طرحی که داشتیم انجام بدهید... اصلاً مهلت ندهید. این جوری جنگ را راکد کرده‌اید. ملت ما هم بنده‌های خدا هستند. شما بروید صف‌های بنزین را ببینید مردم... پدر و مادر خود شما هستند دیگه. شب اصلاً تهران با هوای سرد برق قطع می‌شود، مردم سه یا چهار ساعت نه آب دارند نه بنزین دارند، همه صبر می‌کنند به امید جبهه. ما هم با خیال راحت نشسته‌ایم فکر می‌کنیم حالا... با مردم همه مواجهه نمی‌شویم و فکر می‌کنیم دارد کار تمام می‌شود.

آقای هاشمی رفسنجانی با این اظهارات مجدداً وضعیت کلی سیاسی - اجتماعی جامعه را یادآور کرده و نسبت به تأخیر در عملیات انتقاد می‌کند و تلویحاً نارضایتی امام را نیز مطرح می‌کند... برخی برادران چنین استنباط کردند که آقای هاشمی گمان می‌کنند در برادران نسبت به ادامه جنگ و انجام عملیات تردیدی وجود دارد لذا برادر محمد کوثری فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) اجازه صحبت خواسته و مسائل زیر را بیان می‌کند:

به گفته خود شما و حضرت امام تدبیر است. ما وضعیت مردم را می‌بینیم، من خودم را می‌گویم، هر چند شاید ریا شود ولی عیبی ندارد. من بچه اولم وقتی به دنیا آمد او را ندیدم و چند روز بعد وقتی به خانه رفتم با تن مجروح بودم. فرزند دوم به دنیا آمده هنوز او را ندیده‌ام آن چیزی که می‌خواهیم موفقیت و پیروزی است. اگر بگویید عاشورایی بجنگید، می‌جنگیم. این چیزهایی است که بچه‌ها می‌خواهند ولی تحت فشار هستند.

فکرشان بیش از این نمی‌رسد.

پیشنهاد دارم: نیروهای دشمن از تانک و زرهی وحشت دارند ما اینها را جمع کنیم یک جا عمل کنیم. این تلفاتی را که می‌خواهیم به مرور زمان بدهیم یک دفعه بدهیم و کار را یک سره کنیم.

آقای هاشمی رفسنجانی:

و سوسه در تأمین امکانات زیاد، مشکلات ایجاد می‌کند، در حد معقول خوب است. ما یک هفته زمان می‌دهیم.

برادر احمد کاظمی:

دو یا سه روز به ما فرصت بدهید یک جا را پیدا کنیم و بعد شما یک هفته وقت بدهید.

برادر محسن رضایی:

ما فرمانده اینها هستیم و این را بگذارید بر عهده ما ۹ روز وقت بدهید یک هفته دیگر بیاپید به شما گزارش بدهیم.

آقای هاشمی:

برای عملیات وقت تعیین می‌کنیم.

برادر مرتضی قربانی:

هر چه شما بفرمایید. امر شما بالای چشم ماست. شما نماینده امام هستید. پیشنهاد می‌کنیم هر کس می‌خواهد اینجا عمل کند بیاپید پای کار و گر نه برود غرب. اگر اینجا باز شد دنبال ما بیایند.

مجدداً مشکل نگهداری نیروها مطرح می‌شود.

برادر مرتضی قربانی:

قرارگاه کربلا	قرارگاه قدس	قرارگاه نجف
لشکر ۲۵ کربلا	لشکر ۷ ولی عصر (عج)	لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع)
لشکر ۴۱ ثارالله (ع)	لشکر ۸ نجف	لشکر ۵ نصر
لشکر ۱۹ فجر	لشکر ۱۴ امام حسین (ع)	لشکر ۲۱ امام رضا (ع)
لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع)	لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)	لشکر ۱۵۵ ویژه شهدا
لشکر ۳۱ عاشورا	لشکر ۳۲ انصارالمجاهدین	لشکر ۱۰۵ قدس
لشکر ۳۳ المهدی (ع)	تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع)	تیپ ۱۵۷ ابو الفضل (ع)
تیپ ۱۸ الغدير	-	تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص)
تیپ ۴۸ فتح	-	تیپ ۱۲ قائم (عج)

"مانیروهایمان را تا ۱۰ روز بیشتر نمی توانیم نگه داریم، چون کشاورز هستند.... منتهی باید توجیه شوند و مسئولین برای آنها سخن رانی کنند."

قرار بر این شد آقای هاشمی رفسنجانی: در این رابطه پیامی را برای نیروها ارسال نماید. سپس آقای هاشمی رفسنجانی عملیات غرب را اشاره می کند و می گوید: قرارگاه نجف و عناصرش پای کار بروند و قرار شد میان فرماندهی نیروی زمینی سپاه پاسداران و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی جلسه هماهنگی گذاشته شود.

پس از آنکه جلسه پایان گرفت بحث های پراکنده ای در زمینه های مختلف مطرح شد. لیکن قبل از بحث در مورد آنها آقای هاشمی رفسنجانی چنین می گوید:

"ما عملیات محدود یک فرضمان بود که اگر شلمچه نشد، عملیات محدود را انجام بدهیم."

مطلب فوق حاکی از تصمیم فرماندهی کل جنگ مبنی بر انجام عملیات، به هر شکل ممکن - محدود، گسترده و ... - بود که با قطعی شدن عملیات شلمچه، جلسه خاتمه یافت و عملاً فرصت لازم برای بحث و بررسی پیرامون عملیات محدود فراهم نشد.

پس از بحث هایی که انجام گرفت آقای هاشمی رفسنجانی با توجه به اینکه انجام عملیات تصویب شد در مورد ادامه حضورشان در منطقه سؤال می کند:

اگر لازم است من بمانم، می مانم.

برادر محسن رضایی:

شما یک جلسه با مهندسی بگذارید. چون کمپرسی می خواهند، اگر این جلسه را بگذارید ما کاری نداریم.

اصلی شدن اقدامات آمادگی در شلمچه

پس از قطعی شدن انجام عملیات در شلمچه و تعیین یک هفته فرصت برای کسب آمادگی، طبعاً روال کار بایستی متناسب با این مسئله تغییر می کرد. در واقع یک تلاش فوق تصور لازم بود تا در این زمان محدود انبوه مشکلات که به ظاهر پایان ناپذیر جلوه می کرد. حتی المقدور حل شده و یک آمادگی

نسبی برای انجام عملیات به وجود آید. بلافاصله پس از اتمام جلسه با آقای هاشمی رفسنجانی، فرماندهی کل سپاه در همان محل جلسه ای را با فرماندهان* قرارگاه ها و یگان ها برگزار کرد. این جلسه که از حدود ساعت ۲۱- تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۱ - شروع شد و تا نیمه شب ادامه یافت، مبدا، حرکت جدیدی شد و باعث ایجاد تحرک و سرعت فوق العاده ای در پیش رفت کارها گردید.

جلسه با این تأکید برادر محسن رضایی شروع می شود: بنا را بگذارید حتماً عملیات انجام شود، ولو محدود. (۱۹)

وی سپس روال جلسه را به شکل زیر تعیین می کند: اول روی عقبه ها کار کنیم که چه راه حلی می شود پیدا کرد (۲۰) تأکید کلی این بود که: "امشب باید به نتیجه برسیم" (۲۱)

با توجه به تهدیدهای موجود نسبت به انجام عملیات در شلمچه، درگیر شدن همه یگان ها و مسئولین و پذیرش مسئولیت و مأموریت در این منطقه امر مهمی است و اگر این امر محقق شود، می توان امیدوار بود که اقدامات لازم انجام شود. برادر محسن رضایی این مطلب را چنین مطرح می کند:

لشگرهایی که کار کرده اند آمادگی خود را بگویند تا دنبال پشتیبان مشخص کنیم. (۲۲)

شور و شعف خاص حاکم بر جلسه باعث می شود که پس

آقای هاشمی: از نظر سیاسی و شرایط مردم وضع ممتازی داریم. قدر مسلم این است که اگر با این نیروهای موجود عمل نکنیم و اجازه بدهیم برگردند، به این زودی نمی توانیم نیرویی جمع کنیم. خیلی سخت خواهد بود ما تا به حالا عملیاتی نداشته ایم که چیزی به دست نیاوریم ولی تلفات داده باشیم. از طرفی عراقی ها اگر چنین چیزی را احساس کنند، ما در بعضی جاها امنیت نداریم [و حمله کنند] و اگر جایی را بگیرند هیاهو می کنند. مجموع این وضع به ما دیکته می کند که باید بجنگیم.

از اظهارات برادر محسن، یگان‌های دنبال پشتیبان به صورت داوطلبانه تعیین شوند.

برادر مرتضی قربانی:

«من با قاسم سلیمانی می‌رویم و هر چه امکانات داریم با هم یکی می‌کنیم.» (۲۳)

برادر احمد کاظمی:

«ما با حسین خرازی به کمک امین شریعتی می‌رویم.» (۲۴)

برادر غلامرضا جعفری (فرمانده لشکر ۱۷):

«ما با لشکر ۵ نصر عقبه مان یکی است با هم می‌رویم.» (۲۵)
تغییر ناگهانی وضعیت و شور و حال حاکم بر جلسه و به خصوص پذیرفتن داوطلبانه مأموریت از سوی لشکرهای ۲۵، ۱۴، و ۸ نجف غیرمنتظره بود و بیم آن می‌رفت که پس از جلسه و در برخورد با واقعیت‌ها، مشکلاتی به وجود آید.

در ادامه پیرامون مسائل مختلفی بحث و بررسی شد و در پایان جلسه نسبت به چند مسئله اساسی تصمیم‌گیری شد: تعیین سازمان قرارگاه‌ها و خط حد یگان‌ها، تقسیم جاده‌ها و تقسیم عقبه‌ها.

در مورد سازمان قرارگاه‌ها تصمیم زیر گرفته شد:

بر اساس بحث‌های انجام شده و با توجه به اینکه زمین پنج ضلعی با جناح راست منطقه عملیات و نیز سرپل‌گیری در غرب کانال پرورش ماهی و آزادسازی جاده شلمچه مجموعاً یک مأموریت واحد را تشکیل می‌دادند، چنین تصمیم گرفته شد که قرارگاه کربلا جاپای اولیه را تصرف کند و سپس قرارگاه‌های قدس و نجف مأموریت عبور و تعمیق عملیات را انجام دهند.

در مورد مسائل ضروری دیگری از قبیل حفاظت، تردد، تظاهر به ادامه شناسایی در منطقه کربلای ۴ و ... نیز تصمیم‌گیری شد بر اساس نتایج جلسه، تلاش‌های گسترده و بی‌وقفه برادران سپاه با حجمی قابل توجه ادامه یافت. در این مرحله که شش روز - تا مراجعت مجدد آقای هاشمی رفسنجانی به منطقه در ۱۳۶۵/۱۶/۱۷ - بیشتر طول نکشید. اقداماتی در محورهای زیر انجام شد که به صورت مختصر به آنها اشاره می‌شود:

روند مباحث جلسه به مرور شکل دیگری به خود گرفت و مسائل عقبه، پشتیبانی و غیره بر آن اضافه شد. مطرح شدن بحث‌های تاکتیکی و پاسخ روشن نداشتن برای سؤالات، به نظر می‌رسید که مباحث به جای حل مشکلات، بیشتر لاینحل بودن آن را نشان می‌داد، تا آنجا که نظریه "عدم انجام عملیات در شلمچه" به صورت جدی تری بر جلسه حاکم شد به نحوی که این سؤال از سوی آقای هاشمی رفسنجانی مطرح شد که پس کجا باید جنگید؟

- طراحی مانور و تعیین خط حد یگان‌ها

- برگزاری مانور نفربرهای خشایار

- طراحی عبور و پشتیبانی

- فعالیت‌های مهندسی

طرح مانور و تعیین خط حد یگان‌ها

از آنجا که قرارگاه کربلا در تدبیر کلی در مرحله اول عملیات، نقش اصلی و تعیین کننده داشت لذا در بحث‌های طراحی مانور بیشتر پیرامون مانور قرارگاه کربلا بحث و بررسی می‌شد و مسائل قرارگاه‌های قدس و نجف در اولویت دوم قرار داشتند و مأموریت آنها عمدتاً متکی به موفقیت و موقعیت آنی قرارگاه کربلا بود.

۱- قرارگاه کربلا

وضعیت دشمن*

پس از عملیات کربلای ۴ بیش‌ترین تلاش دشمن در جناح راست عملیات واقع در شرق کانال ماهی مشاهده می‌شد دشمن در این منطقه به منظور تکمیل سیلبندهای خود تلاش چشم‌گیری انجام می‌داد، به صورتی که شب‌ها تردد صد دستگاه کمپرسی با چراغ روشن در منطقه قابل مشاهده است. شکسته شدن خط دشمن در پنج ضلعی حساسیت خاصی را برای او ایجاد کرد. دشمن علاوه بر ترمیم سنگرها و مواضع آسیب دیده در عملیات کربلا ۴ نیروهای مستقر در پنج ضلعی را

*در این قسمت علاوه بر آنچه گفته شد، مسائلی چون وضعیت دشمن و پیگیری اقدامات در غرب نیز مورد اشاره قرار می‌گیرند.

نیز تعویض کرده است. نیروهای جدید کلاه و لباس هایشان با نیروهای قبلی فرق داشته و نسبتاً آماده تر به نظر می رسند.

آتش دشمن نیز بر خلاف روزهای اول - پس از کربلای ۴ - به مرور سبک تر شد، اما دکل های دیده بانی و رازیت های دشمن همچنان فعال هستند معابر و تحرکات ما در عمق را با حساسیت کنترل می کنند.

در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۷ دیده بان خودی از روی دکل گزارش می دهد که چند جیب فرماندهی به منطقه آمده و از بالای دکل نسبت به منطقه توجیه شدند. * از ظواهر امر و برخوردهایی که انجام می گرفت جنس استنباط شد که آنها از فرماندهان رده بالای ارتش عراق هستند.

شناسایی

نیروهای شناسایی در این فاصله نسبت به اندازه گیری عمق آب و پیدا کردن راه کارهای مناسب اقدام کردند. قرارگاه کربلا در مجموع ۱۹ تا ۲۰ راه کار پیدا کرده بود که به ترتیب از راست عبارتند از:

تیپ الغدیر ۴ راه کار، لشکر المهدی ۲ راه کار، لشکر ثارالله ۲ راه کار - که قرار شد یکی راه کار دیگر هم اضافه کند - ، لشکر عاشورا ۴ راه کار، لشکر ۱۹ فجر ۳ تا ۴ راه کار و لشکر سیدالشهدا ۳ راه کار.

کمین های دشمن نیز شناسایی شدند تا به هنگام عملیات منهدم شوند. نکته قابل توجهی که در شناسایی ها به دست آمد اینکه یک جاده قدیمی در قسمت آب گرفتگی شرق کانال ماهی وجود دارد که فقط ۲۰ تا ۳۰ سانتی متر آب روی آن را پوشانده است. جاده یاد شده به عنوان یک معضل در تردد قایق ها محسوب می شد که می بایست در نقطه مطلوبی شکافته شود. پس از شناسایی های بعدی مشخص شد در قسمتی از جاده شکافی وجود دارد که خود به خود مانع بودن جاده را برطرف می کرد.

همچنین یک کانال ارتباطی در مقابل شلمچه وجود دارد که در صورت تناسب عرض و عمق آب آن برای تردد قایق ها مناسب به نظر می رسید. عناصر شناسایی تلاش هایی را به

منظور کسب شناسایی دقیق کانال و اطمینان از قابلیت استفاده از آن، اقداماتی را انجام دادند که در مجموع موفقیت آمیز بود.

طرح مانور

قرارگاه کربلا بر اساس مأموریت و هدف خود که می باید ابتدا جابجایی مشخصی را تصرف کند تا مقدمات عبور قرارگاه های قدس و نجف فراهم شود مانور زیر را طراحی کرد: تیپ ۱۸ الغدیر مأموریت تصرف سیلندهای جدید الحداث دشمن را بر عهده داشت تا بدین وسیله با ایجاد بریدگی بر روی سیلندها و تأمین پل، تهدید دشمن در جناح راست را برطرف کند. این تیپ با توجه به اینکه پیش بینی می کرد فشار زیادی از سوی دشمن در این محور آورده خواهد شد. نسبت به مأموریت فوق تردید داشت و آن را قبول نمی کرد به همین جهت در مقایسه با سایر یگان ها دیرتر پای کار رفت.

لشکر ۳۳ المهدی روی پد بوبیان و پاسگاه بوبیان عمل می کرد تا به کمک تیپ الغدیر ضریب اطمینان حفظ جناح راست را بالا برده و تردید تیپ الغدیر را نیز برطرف نماید.

در مجموع آنچه به عنوان مأموریت تیپ الغدیر و لشکر ۳۳ المهدی (ع) تعیین شده بود گذشته از حفظ جناح راست عقبه کلی عملیات و عقبه یگان های عبور کننده را نیز تأمین می کرد. لشکر ۴۱ ثارالله (ع) مأموریت داشت تا بعد از پاک سازی

جاده و پل دشمن، یک سرپل در غرب کانال ماهی بگیرد. لشکر ۲۵ کربلا مأموریت داشت پس از تأمین سرپل از سوی لشکر ۴۱ ثارالله (ع) در درجه اول از این لشکر عبور کند و در صورتی که چنین امکانی فراهم نیامد با عبور از لشکر ۳۱ عاشورا - از داخل پنج ضلعی - به سمت راست، و پشت کانال ماهی رفته و سرپل را تأمین کند. علاوه بر این گرفتن جاپا در پشت پوزه کانال ماهیگیری - معروف به مثلثی - مأموریت مشترک لشکرهای ۲۵ کربلا و ۳۱ عاشورا بود. در این صورت جابجایی یاد شده می توانست عقبه خشکی را برای سرپل غرب کانال ماهی تأمین نماید.

مأموریت تأمین پنج ضلعی بر عهده سه لشکر بود که به ترتیب از راست به چپ عبارت اند: لشکر ۳۱ عاشورا، لشکر ۱۹

فجر و لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع). آنها مأموریت داشتند پس از تصرف و تأمین پنج ضلعی با عبور از کانال معروف به هفت دهنه، جاده شلمچه را باز کنند تا مقدمات عبور قرارگاه‌های قدس و نجف فراهم شود.

لشکر ۳۱ عاشورا مأموریت داشت در قسمت جنوبی منطقه پنج ضلعی با سرعت و بلافاصله خود را به کانال ماهی‌گیری برساند و پس از حضور در گوشه پنج ضلعی، تنها جاده دشمن را که به داخل پنج ضلعی منتهی می‌شود قطع کند و سپس در کنار لشکر ۲۵ کربلا جای پای مناسبی را در مثلی پشت کانال تصرف نماید.

لشکر ۱۹ فجر با توجه به تجربه عملیات کربلا ۴ در همان منطقه مجدداً مأموریت داشت که در حدفاصل لشکر ۳۱ عاشورا در سمت راست و لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) در سمت چپ، پاک‌سازی خط و قرارگاه دشمن تا جلوی جاده آسفالت‌ه را انجام دهد.

لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) مأموریت داشت بر روی خط اول و دوم دشمن عمل کرده و اقدام به پاک‌سازی آنها کند تا جاده شلمچه باز شود.

چنانچه در طرح مانور مشخص است اتکای عمده عملیات برای باز شدن جاده شلمچه و در نتیجه عبور دو قرارگاه قدس و نجف، متکی به توانایی و سرعت لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) برای شکستن خط دشمن و باز نمودن جاده شلمچه و جاده شمالی آن می‌باشد. قسمتی از تردیدها و انتقادهای مطرح شده به طرح مانور در همین مورد بود، لذا در آخرین لحظات قبل از شروع عملیات برادر رحیم صفوی به قائم مقام لشکر ۱۴ امام حسین (ع) تذکر داد که برای باز شدن جاده شلمچه و جاده شمالی آن خیلی متکی به لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) نباشید و به آنها کمک کنید.

احتمالات و فرضیات

با توجه به رده‌های مختلف استحکامات دشمن، به نظر می‌رسید تکرار مجدد عملیات از همان محورهای قبلی در پنج ضلعی مشکلاتی را ایجاد کند. برادر محسن رضایی می‌گوید: یک احتمال این است که ما نتوانیم از پنج ضلعی بیرون

برویم (۲۶) و از طرفی به محض آغاز درگیری، دشمن نسبت به پنج ضلعی و جاده شلمچه با حساسیت بیش‌تری برخورد خواهد کرد در این صورت ما باید تلاشمان با عبور از کانال پرورش ماهی به پشت شلمچه باشد (۲۷) هر چند این مسئله به غافل‌گیر کردن دشمن نسبت به سمت تک نزدیک تر بود، لیکن عبور از کانال پرورش ماهی مشکلات عدیده‌ای داشت و چون درگیری دیر شروع می‌شود، با هوشیار شدن دشمن امکان عبور از سیلبندها و کانال پرورش ماهی ضعیف می‌شود. به هر حال راه حل این بود که ما باید یک سرپل در مقابل جاده شلمچه بگیریم و سپس جاده را باز کنیم. (۲۸)

از مجموع بحث‌های انجام شده استنباط می‌شود که نسبت به عبور از کانال ماهی‌گیری به علت غفلت بیشتر دشمن از آن محور و نیز قوت لشکرهای عمل‌کننده - ۲۵ کربلا، ۴۱ نازارالله، ۳۱ عاشورا - اطمینان بیش‌تری وجود دارد. برادر محسن رضایی به برادر شمنخانی می‌گوید.

توک پیکان عبور از کانال پرورش ماهی خیلی خوب است. در اینجا مشکل پاک‌سازی نداریم ولی باید خوب ترابری انجام دهیم و راه حل آن استفاده از خشایار و همکاری و همیاری یگان‌ها با یکدیگر است. (۲۹)

فرضیات و احتمالات مختلفی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که در تصمیم‌گیری‌های بعدی نیز بی‌تأثیر نبود. وقتی اهمیت عبور از کانال پرورش ماهی و نیز احتمال باز نشدن جاده شلمچه مطرح شد، بر اساس آن "عبور و پشتیبانی" طراحی شد و یا هنگامی که احتمال هوشیاری دشمن و مشکل بودن پیش‌روی نیروها مطرح گردید، ضرورت به کارگیری آتش شکل جدی‌تری به خود گرفت.

تمرکز آتش

چنانچه اشاره شد یکی از مهم‌ترین مسائل عملیات به کارگیری صحیح و مناسب "آتش" می‌باشد؛ خصوصاً با این فرض و پیش‌بینی که حرکت نیروها از سرعت لازم برخوردار نخواهد بود و در شلمچه نیروها بایستی با دشمن هوشیار که در میان استحکامات موضع گرفته روبه‌رو شده و سینه به سینه و

رده به رده، جنگ و درگیری داشته باشد. برای رفع این مشکل تصمیم گرفته که از حجم سنگین آتش به صورت تمرکزی استفاده شود تا دشمن رازمین گیر کرده و تحرک و جابه جایی او را محدود کنند.

فرماندهی قرارگاه کربلا در این مورد می گوید:

ما پیشنهاد دادیم وقتی که درگیری شروع شد یک آتش سنگین از کانال داخل پنج ضلعی تا کانال زوجی و ماهی ریخته شود تا موقعی که نیروها به آنجا می رسند و دنبال پشتیبان می خواهد عبور کند، نیروی قابل توجیهی با آنها درگیر نشود. (۳۰)

در این مورد بحث های مختلفی انجام شد و چنین تصمیم گرفته شد که لازمه اجرا و تمرکز آتش، هماهنگی آتش هر سه قرارگاه با یکدیگر می باشد، لذا برادر محسن رضایی ابلاغ کرد که:

"در ساعت ۳۰ قرارگاه کربلا تک خود را آغاز می کند و قرارگاه های قدس و نجف آتش های مستقیم و منحنی را طبق طرح آتش اجرایی کنند." (۳۱)

به کارگیری زرهی

در این عملیات استفاده از نیروی زرهی به دو دلیل عمده مطرح شد: یکی وجود استحکامات و مواضع پیچیده دشمن، که در واقع درگیری و جنگ سختی را پیش بینی و ترسیم می کرد و دیگری اهمیت زمین شلمچه برای دشمن و فشارهایی که متعاقباً وارد خواهد کرد. گذشته از اینکه حضور تانک در منطقه موجب تقویت روحیه نیروهای خودی و رعب و وحشت دشمن می شود. برای جنگ با دشمن و پیش روی در عمق مواضع او نیز ضرورت استفاده از زرهی اجتناب ناپذیر بود اولویت به کارگیری نیروی زرهی به دو قرارگاه قدس و نجف که مأموریت تعمیق عملیات را بر عهده داشتند، داده شد.

مأموریت نیروی زرهی بدین شکل طراحی شد:

۱- "عملیات نصر" در جناح راست با مأموریت پشتیبانی از تیپ الغدیر و لشکر ۳۳ المهدی (ع)

۲- "عملیات ذوالفقار" در عمق با عبور از کانال پرورش

محسن رضایی: ما باید از هم اکنون یک باب جدیدی باز کنیم که اگر بخواهیم در جنوب بجنگیم، تاکتیک های جدیدی لازم است. منتهی باید از استراتژی امام که "هر جا می خواهید، عمل کنید ولی به دشمن زمان ندهید." پیروی کنیم و آن را فراموش نکنیم

ماهی، در صورتی که زمین منطقه مساعد بود. از سوی دیگر لشکرهای ۴۱ ثارالله (ع)، ۲۵ کربلا و ۳۱ عاشورا انجام شود.

۳- "عملیات فتح" واقع در پنج ضلعی با پشتیبانی از

لشکرهای ۱۰ اسیدالشهدا (ع) و ۱۹ فجر.

۴- "عملیات رعد" با پشتیبانی از لشکرهای ۱۷ اعلی بن

ابی طالب (ع) و ۵ نصر.

قرارگاه قدس

قرارگاه قدس مأموریت داشت که پس از تصرف جاپایی که قرارگاه کربلا در منطقه شلمچه می گیرد، خط را تحویل بگیرد و ابتدا با لشکرهای ۱۴ امام حسین (ع) و ۸ نجف به پشت نهر دو عیجی برود و پس از آن لشکرهای ۲۷ محمد رسول الله (ص) و ۷ ولی عصر (عج) و تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) به سمت کانال زوجی پیش روی کنند.

البته با توجه به کاهش توان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) که به علت عملیات کربلای ۴ به وجود آمد، تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) در احتیاط آن قرار گرفت همچنین قرار شد که در مرحله دوم لشکر ۱۴ امام حسین (ع) به تیپ قمر بنی هاشم (ع) و لشکر ۸ نجف به لشکر ۷ ولی عصر (عج) برای تأمین کانال زوجی کمک نمایند.

مانور قرارگاه قدس "متکی بر این فرض بود که پس از تأمین جاپا از سوی قرارگاه کربلا، عملیات خود را آغاز کند. با توجه به تردیدی که نسبت به توان لشکر ۱۰ اسیدالشهدا (ع) برای شکستن خط وجود داشت و با توجه به پیش بینی هوشیار بودن دشمن و کند شدن پیش روی نیروها در پنج ضلعی، موفقیت قرارگاه قدس متزلزل و نامطمئن به نظر می آمد. چنانچه

فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در مورد توجیه نیروهای خود نسبت به میزان موفقیت عملیات می گوید:

"ما بچه ها را این جور توجیه کرده ایم که اینجا جز معجزه چیز دیگری خط را باز نمی کند." (۳۲)

نحوه هماهنگی و چگونگی "عبور قرارگاه از قرارگاه" نیز یکی از مسائل عمده ای بود که همه اذهان را به خود مشغول می کرد به طوری که گاهی بحث را به مرز انجام نشدن عملیات می رساند. فرماندهی قرارگاه قدس از قول فرماندهان لشکرهای ۱۴ و ۸ می گوید:

"یک بحثی حسین خرازی و کاظمی دارند و می گویند تا پنج ضلعی تأمین نشده ما را وارد عملیات نکنید." (۳۳)

البته مسئله عبور و معضلات آن تنها مختص به قرارگاه قدس نبود زیرا که قرارگاه نجف نیز ابتدا باید لشکر ۱۷ و ۵ نصر را عبور می داد و در این زمینه مشکلاتی داشتند. قائم مقام لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) نسبت به امکان شکسته نشدن خط از سوی لشکر ۱۰ اشاره می کند و می گوید:

اگر لشکر ۱۰ بماند همه می ماند. (۳۴)

کلاً در میان فرماندهان قرارگاه ها و یگان ها این اعتقاد وجود دارد که نایبستی تمام مسئله عبور و تعمیق عملیات، متکی به یک راه کار و تلاش یک یگان باشد. معضلات فوق منجر به ابهام و تردید در قرارگاه قدس و در نتیجه انجام نشدن کار اساسی از سوی این قرارگاه شد. برادر عزیز جعفری در این مورد می گوید: مسئله عبور، پیچیدگی و تناقض دارد. (۳۵)

قرارگاه نجف

خط حد قرارگاه نجف از جنوب جاده شلمچه تا بوارین می باشد. قرارگاه نجف در مرحله اول می بایست با تک به بوارین پشتیبانی از کل عملیات را انجام می داد و پس از باز شدن جاده شلمچه، لشکرهای ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) و ۵ نصر با عبور از شلمچه به سمت چپ - پشت بوارین - چرخش می کردند.

در موج دوم تیپ قائم (عج) و لشکر ۱۰۵ قدس وارد عمل می شدند. در مرحله سوم هم زمان با انجام مرحله دوم از سوی قرارگاه قدس و تأمین جناح راست توسط قرارگاه کربلا، لشکر

۱۵۵ ویژه شهدا و تیپ ۵۷ ابوالفضل (ع) به جزیره صالحیه وارد شده و حد فاصل رودخانه اروند تا خط حد جناح راست قرارگاه قدس را در پشت کانال روحی تأمین می کردند.

چنانچه از طرح مانور معلوم می شود، مأموریت قرارگاه نجف عمدتاً تأمین جناح چپ عملیات می باشد با تهاجم به بوارین توسط لشکر ۲۱ امام رضا (ع) نیز پشتیبانی از کل عملیات را انجام می داد.

پیچیدگی منطقه عملیاتی قرارگاه نجف با توجه به پوشش نخل ها، کثرت نهرها و نیز وجود جزایر متعدد از یک سو و کیفیت توان یگان ها و فرماندهی قرارگاه نجف از سوی دیگر منجر به بروز ابهامات زیادی می شد.

با توجه به ذهنیت و تصورات یاد شده و با توجه به اهمیت جناح چپ عملیات، بحث هایی که در این مورد انجام می شد به اندازه کافی و قابل توجه نبود. - غیر از بحث بوارین که به لحاظ نقش آن در پشتیبانی از کل عملیات، جسته و گریخته مورد اشاره قرار می گرفت.

در مجموع به لحاظ محدودیت زمان و ابهامات فراوانی که نسبت به عبور قرارگاه های قدس و نجف وجود داشت، در مورد مأموریت آنها بحث های زیادی انجام شد.

عملیات در غرب کشور

منطقه سومار در مقایسه با سایر مناطق عملیاتی از نظر زمانی آماده تر به نظر می رسید. با تعیین عملیات غرب به عنوان اولویت دوم، با وجود آنکه قرارگاه نجف در منطقه جنوب مأموریت داشت قرار شد نسبت به منطقه غرب نیز فعال برخورد نماید. در این رابطه مشکلات و مسائلی وجود داشت که برادر مصطفی ایزدی در صحبت با فرماندهی کل سپاه موارد زیر را مطرح می کند:

- ۱- اگر عملیات در جنوب پیش رفت، ارتش در انتظار سپاه نباشد و عمل کند.
- ۲- با توجه به زمان ابلاغ شده برای عملیات در جنوب، برخورد یگان ها با کار در غرب به چه صورت باشد؟
- ۳- با توجه به اینکه کار مهندسی سنگین است چه کسی

پیرامون شرایط انجام عملیات سه مسئله زیر

مطرح شد.

۱- ما هیچ عملیاتی را تضمین نمی کنیم که

پیروز شویم.

۲- هیچ عملیاتی را تضمین نمی کنیم که لو

نرود.

۳- هیچ وقت تابع جو سیاسی نخواهیم بود.

مسئولیت آن را بر عهده دارد؟

برادر محسن رضایی کل کار در غرب را به صورت زیر

مرحله و زمان بندی می کند:

مرحله اول: شناسایی و مهندسی تا تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۰ انجام

بگیرد.

مرحله دوم: طرح ریزی آتش

مرحله سوم: نقل و انتقالات و استقرار

مرحله چهارم: عملیات

در مورد انجام عملیات از سوی ارتش زمان بندی آن قرار

شد از سوی آقای هاشمی رفسنجانی به ارتش ابلاغ شود. در

مورد کارهای مهندسی نیز قرار شد پس از برآورد، کارها با

مسئولیت قرارگاه مهندسی انجام شود.

مانور نفربر خشایار

طرح به کارگیری نفربر خشایار و طراحی مانور آنها در

کانال سلمان تماماً متکی بر تدبیر و تلاش های برادر محسن

رضایی و مبتنی بر این تحلیل صورت گرفت که لازمه موفقیت

در رویارویی با دشمن، داشتن ابتکار عمل می باشد. وی در این

زمینه می گوید:

با بررسی هایی که شد و استفاده از نفربر خشایار در

عملیات [های] والفجر و خیبر برای کشیدن وسائل و همچنین

استفاده محدودی که لشکر فجر از این نفربر به عمل آورد و

تجاریبی که ما از این مسئله داشتیم و از طرفی به دنبال ابزار

مناسبی بودیم که از آتش آن استفاده کنیم و آتش قوی تری در

مقایسه با داشته باشیم، لذا به فکر به کارگیری خشایار افتادیم.

وی سپس در مورد علت برگزاری مانور و کاربرد

نفربر خشایار در عملیات کربلای ۵ می گوید:

"علت اینکه گفتیم بیایید مانور کنید و خودمان هم آمدیم

برای این بود که ضعف ها اینجا برطرف شود نه اینکه بروید پای

کار و بمانید".

به نظر می رسید قسمتی از تردید و ابهام فرماندهان در زمینه

"عبور و پشتیبانی" عملیات، خصوصاً در جناح راست می باشد و

برادر محسن رضایی با طرح استفاده از نفربر خشایار و برگزاری

مانور در کانال سلمان در نظر داشت ابهامات و تردیدهای

موجود را برطرف نماید.

مهم ترین مسئله در این مانور، کسب اطمینان نسبت به

کیفیت "حرکت خشایارها در آب" و "بالا رفتن از سیلند"

می باشد که مستقیماً با هدف استفاده از نفربر خشایار برای

ترابری نیرو، پشتیبانی و نیز کمک به غواص ها در شکستن خط

و پشت سر گذاشتن مواضع دشمن مرتبط بود.

انجام این مانور برای اطمینان از کارایی نفربرهای خشایار

بسیار ضروری بود ولی به لحاظ مشکلات عدیده ای که وجود

داشت از جمله: انتقال خشایارها از تهران، جمع آوری

موجودی یگان ها، نصب دوشکا، آب انداختن در کانال سلمان،

تقسیم بندی در آموزش و انجام مانور به نظر می رسید انجام

مانور در فرصت و زمان موجود غیر ممکن باشد. بایگیری برادر

محسن رضایی مانور در ۱۳۶۵/۱۰/۱۶ در کانال سلمان انجام شد.

قابل ذکر است برای فردی که قبلاً منطقه را دیده و اکنون نیز

شاهد شلوغی منطقه و حضور همگانی و مانور خشایارها بود

این تغییرات شگفت آور به نظر می رسید چگونه در مدتی کمتر

از پنج روز مقدمات این کار فراهم شده باشد.

این مانور نشان داد که استمرار آموزش خدمه می تواند

نقش تعیین کننده ای در کاربرد خشایار داشته باشد، بالا رفتن

نفربر از سیلند عمدتاً به تجربه، ورزیدگی و مهارت خدمه ها

متکی است. در مانور معلوم شد که در حال حاضر آمادگی لازم

برای بالا رفتن خشایار از سیلند وجود ندارد، بنابراین مأموریت

استفاده از خشایار در عملیات تغییر کرد. برادر محسن رضایی با توجه به همین ملاحظات گفت: فعلاً از خشایار فقط برای ترابری استفاده می‌کنیم.

پس از خاتمه مانور و بنابر ابلاغ قبلی، تدارکات می‌بایست خشایارها را طی زمان کوتاه باقیمانده، به منطقه عملیاتی انتقال دهد و این خود، مستلزم تلاش و کوشش فراوانی بود که الحمدالله به خوبی انجام گرفت.

طراحی عبور و پشتیبانی

مشکلات مربوط به عقبه از جمله مسائلی بود که باعث بروز ابهام و تردید در انجام عملیات می‌شد. در اولین جلسه‌ای که پس از قطعی شدن منطقه شلمچه در گلف تشکیل شد به عنوان نخستین موضوع از سوی برادر محسن رضایی مورد تأکید قرار گرفت و در مورد آن بحث و بررسی انجام شد. فرماندهان یگان‌ها طرح‌های مختلفی را در این مورد ارائه کردند از جمله:

برادر مرتضی قربانی:

یک جاده‌ای را با کیسه گونی شن درست کنیم که ماشین توپو تا بتواند از روی آن تردد کند.

برادر قاسم سلیمانی:

می‌شود جاده شنی درست کرد ولی نه با این پیشنهاد که برادر قربانی می‌گوید.

برادر امین شریعتی:

پل نمی‌شود درست کرد چون باد می‌آید و نمی‌گذارد بلکه بیابیم با پل‌ها، اسکله درست کنیم ببندیم پشت خشایار و در آنجایی که ارتفاع آب کم است به [۵۰ سانت] کار بگیریم.

برادر احمد کاظمی:

دو بشکه سنگ ببندازیم، بگذاریم داخل آب و بعداً روی آن کیسه گونی بگذاریم.

از آنجائیکه عبور از کانال پرورش ماهی به عنوان یک محور اصلی و امیدوارکننده مطرح بود، توجه عمده برادران متوجه آن محور بود. افزایش اطلاعات نسبت به وضعیت منطقه پس از شناسایی‌های انجام شده و شکل گرفتن طرح مانور و تعیین

گره‌های اصلی عملیات از جمله عبور، عقبه و سایر موارد موجب شد تدابیر مناسب‌تری برای مسئله عبور و پشتیبانی اتخاذ شود.

قسمتی از این تدابیر بر پایه تمرکز امکانات و ایجاد مدیریت برای اولویت‌بندی عبور گردان‌ها^۸ بود تا شاید از این طریق از شلوغی و به هم ریختگی منطقه جلوگیری به عمل آید. قسمت دیگر این تدابیر هنگامی شکل گرفت که مانور خشایارها در کانال سلمان انجام شد و به طور نسبی جایگاه این نفربرها و نحوه به کارگیری آنها مشخص شد. برادر محسن رضایی طی جلسه‌ای با معاونت دریایی نیروی زمینی سپاه به وی ابلاغ کرد که کلیه امکانات از قبیل پل‌های کوثری، قایق لاور، خشایار و سایر موارد در چهار محور متمرکز شوند. بر این اساس چهار قرارگاه به نام‌های عاشورا ۱، ۲، ۳ و ۴ تشکیل شد که مدیریت عبور را بر عهده داشتند پس از آن دستورالعملی در ۸ بند تنظیم شد تا با توجه به محدودیت زمانی، کار از سرعت و دقت لازم برخوردار شود. همچنین قرار شد قرارگاه‌های فوق تحت امر قرارگاه‌های اصلی عملیات باشند تا هماهنگی‌های لازم به وجود آید.

تلاش‌های مهندسی در منطقه

ابتدا کلیه کارهای مهندسی منطقه با مسئولیت قرارگاه کربلا انجام می‌شد، ولی پس از آنکه هر سه قرارگاه در منطقه خط حد گرفتند روال قبلی تغییر کرد و برای فعالیت‌های مهندسی سازمان جدیدی تعیین شد تا ناهماهنگی و افزایش تیم‌های مهندسی کارها انجام شود تا تأخیری به وجود نیاید. محدودیت زمانی موجب می‌شد محور تلاش‌ها بر اساس اولویت‌ها انجام شود. کارها به دو قسمت اساسی تقسیم شدند: یکی مهندسی قبل از عملیات و دیگری مهندسی در حین و بعد از عملیات.

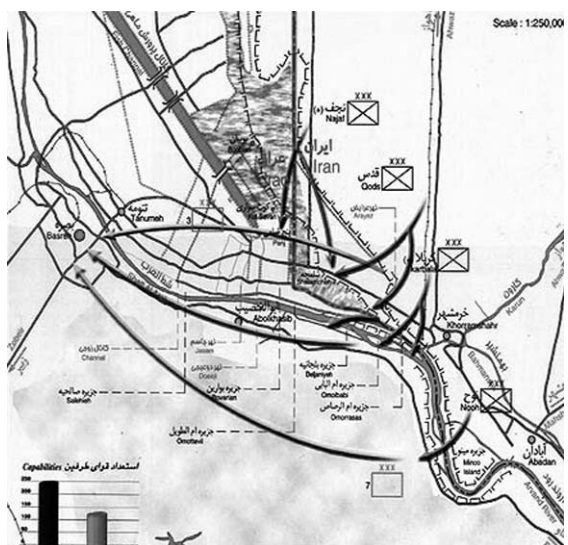
کارهای مهندسی قبل از عملیات شامل پدسازی برای توپخانه، احداث، ترمیم و شن‌ریزی جاده‌ها می‌شد. پیش‌بینی می‌شد که با توان موجود مهندسی سپاه و جهاد برای احداث ۸۰ کیلومتر جاده، اگر تمام کمپرسی‌ها بسیج شوند، فقط می‌توانند

شبی ۸ کیلومتر کار کنند و در نتیجه ۱ روز زمان لازم دارند و در این صورت در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۴ کار جاده به پایان خواهد رسید در صورتی که می باید تمامی اقدامات لازم تا ۱۳۶۵/۱۰/۱۸ انجام می شد.

برادر محسن رضایی معتقد بود که تمامی کادرهای موجود مهندسی که از نظر اجرایی مجرب و ورزیده هستند، می باید بسیج شوند تا کارها سر و سامانی به خود بگیرند. وقتی فرمانده لشکر ۱۹ فجر ضمن گزارشی می گفت: جهاد نجف آباد به ما مأمور شد ولی می گویند: در سایت کار می کنند و دستگاه هایشان آنجاست. (۳۶) برادر محسن با برداشتی که از عقب ماندگی کار داشت خطاب به برادر مبلغ -جانشین قرارگاه مهندسی - می گوید:

“برادران مهندسی برای چه به جلسه می آیند؟ اگر این طور است جلسه نیابند، باید بروند در خط و بالای سر کار. اگر بخواهیم کار سریع انجام شود باید بروند سر کار ... این قدر وقت کم است که نمی شود بحث کرد، باید رفت در منطقه بالای سر اینها. (۳۷)

پس از آن تمامی مسئولین مهندسی بسیج شدند و برای هماهنگی مهندسی و جهادهای واگذار شده به یگان ها، به منطقه رفتند و پس از چند روز وقتی برادر مبلغ گزارش کارها را به برادر محسن رضایی ارائه کرد، ظاهراً رضایت بخش به نظر می رسید.



منابع:

- ۱- جلسه امیدیه نوارهای ۱۰ و ۱۱، ۱۳۶۵/۱۰/۵
- ۲- جلسه امیدیه، نوارهای ۱۰ و ۱۱، ۱۳۶۵/۱۰/۵
- ۳- جلسه امیدیه، نوارهای ۱۰ و ۱۱، ۱۳۶۵/۱۰/۵
- ۴- جلسه امیدیه، نوارهای ۱۰ و ۱۱، ۱۳۶۵/۱۰/۵
- ۵- نوار شماره ۳ قرارگاه خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۵
- ۶- نوار ۴ فاطمیه، ۱۳۶۵/۱۰/۵
- ۷- نوار شماره ۵ فاطمیه، ۱۳۶۵/۱۰/۵
- ۸- نوار شماره ۱۴ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۶
- ۹- نوار شماره ۱۷ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۶
- ۱۰- نوار ۲۴ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۷
- ۱۱- نوار شماره ۶ فاطمیه، ۱۳۶۵/۱۰/۵
- ۱۲- نوار شماره ۱۲ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۶
- ۱۳- نوار شماره ۱۲ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۶
- ۱۴- نوار شماره ۳۶، قرارگاه خاتم، ۸ و ۱۳۶۵/۱۰/۹
- ۱۵- فاطمیه، ۱۳۶۵/۱۰/۶
- ۱۶- برادر علی شمخانی، فرمانده نیروی زمینی.
- ۱۷- برادر علی شمخانی، فرمانده نیروی زمینی.
- ۱۸- برادر احمد غلامپور، فرمانده قرارگاه کربلا.
- ۱۹- نوار ۵۵ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۱
- ۲۰- نوار ۵۵ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۱
- ۲۱- نوار ۵۵ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۱
- ۲۲- نوار ۵۵ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۱
- ۲۳- ۱۳۶۵/۱۰/۲۳- نوار ۵۵ خاتم.
- ۲۴- ۱۳۶۵/۱۰/۲۴- نوار ۵۵ خاتم.
- ۲۵- ۱۳۶۵/۱۰/۲۵- نوار ۵۵ خاتم.
- ۲۶- نوار شماره ۷۸ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۷
- ۲۷- نوار شماره ۷۸ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۷
- ۲۸- نوار شماره ۶۷ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۴
- ۲۹- نوار شماره ۶۷ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۴
- ۳۰- نوار شماره ۶۷ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۴
- ۳۱- نوار شماره ۶۷ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۴
- ۳۲- نوار شماره ۶۶ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۴
- ۳۳- نوار شماره ۶۷ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۴
- ۳۴- نوار شماره ۶۶ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۴
- ۳۵- نوار شماره ۶۶ خاتم، ۱۳۶۵/۱۰/۱۴
- ۳۶- نوار شماره ۵۹ خاتم -مورخه ۱۳۶۵/۱۰/۱۲
- ۳۷- نوار شماره ۵۹ خاتم -مورخه ۱۳۶۵/۱۰/۱۲